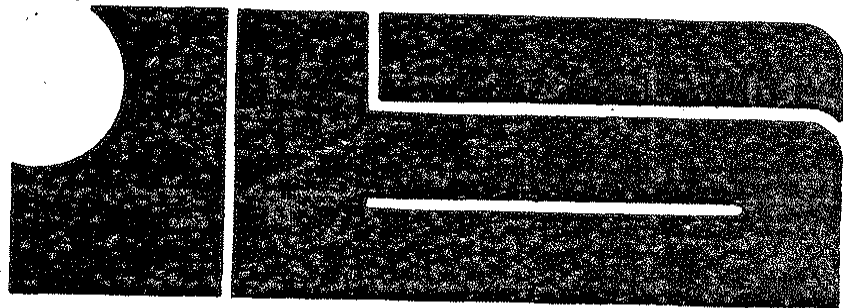


شکجه گران باید در دادگاه های  
علنی و در حضور مردم و نیروهای  
انقلابی محاکمه و محکوم گردند.



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

پنجشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۹۲

# مردم از این باغ ببری می رسد!

پس از سرکونی رژیم مزدور شاه یکی از  
خواست های برحق توده های زحمتکش  
میهن ما این بوده است که رژیم  
جمهوری اسلامی تمام قراردادهای  
اسارت باری را که رژیم گذشته برخلاف  
ممالح و منافع توده های مردم با  
دولتهای امپریالیستی و انحصارات  
جهانی منعقد ساخته امت لغو کند و  
مردم را در جریان این قراردادها  
بگذارد، اما در عمل دیدیم که نه  
تنها سران جمهوری اسلامی این قرار

دادها را افشا نکردند، بلکه بسیاری  
از آنها، به ویژه قراردادهای مربوط  
به خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی  
را ابقا نموده، حتی قراردادهای  
تازه ای با دولتهای امپریالیستی  
منعقد ساخته.

بقیه در صفحه ۶

## ضد انقلاب چیست و انقلابی چه کسی است؟

تاریخ انقلابات جهانی و مبارزات  
انقلابی توده های زحمتکش مملو از  
تجربیات ارزنده و درسهای گرانبهای  
است که هر خلق انقلابی برای پیروزی  
خود باید بداند و قوف یا بدو آنها را  
بمثابه تجربیاتی ارزشمند فرا راه  
مبارزات انقلابی خود قرار دهد. یکی از  
این تجربیات که مکرر در تاریخ رخ  
داده است و توده های زحمتکش میهن ما  
نیز اکنون آنرا تجربه می کنند اینست  
که ضد انقلاب با توجه به سطح پائین  
تشکل و آگاهی توده ها می کوشد که خود را  
مدافع و سخنگوی انقلاب و توده های  
انقلابی جا بزند و عیارتی بنام  
انقلاب به مقابله با انقلاب برخیزد  
(زیرا منطق مبارزه طبقاتی حکم می کند  
که ضد انقلاب بسته به شرایط عینی حاکم  
بر جنبش، سطح رشد مبارزه انقلابی  
توده ها، سطح آگاهی آنها و نیز موقعیت  
خود چه در سطح ملی و یا جهانی به آن  
شیوه ها و روشهایی متوسل گردد که با  
آن مرحله معین از رشد و تکامل مبارزه  
انقلابی توده ها منطبق باشد) در چنین  
شرایطی است که همه چیز از گونه می شود  
هر آنچه که حقیقتا انقلابی است ضد  
انقلابی معرفی می گردد و هر آنچه ضد  
انقلابی است عین انقلاب می گردد!  
آنچه که امروز در میهن ما می گذرد، بیان  
راستین این واژگونه شدن واقعیتهاست  
براستی که اکنون دوواژه "انقلاب" و  
"ضد انقلاب" و نیز مفاهیم انقلابی و  
ضد انقلابی آنچنان از سوی ضد انقلاب  
حاکم، این دشمنان سوگند خورده انقلاب  
مغشوش گشته است که بسیاری از توده -  
بقیه در صفحه ۲

تظاهرات باشکوه ۲۰ دیماه  
۱۳۳۸ برگگی درخشان در  
تاریخ جنبش دانش آموزی

صفحه ۱۵

## ● "بنی صدر" دست پیش را گرفته تاپس نیفتد

از دعوا برای سروری بر مقدرات  
زحمتکشان که بگذریم، در باقی امور  
همه سران حکومت، کم و بیش  
هم عقیده اند. همگی از لزوم رعایت  
تقدس مالکیت سرما به داری سخن  
می گویند، همگی از احترام به حقوق  
مالکان (به قول آنها: گناورزان)  
یاد می کنند، همگی از ضرورت اعتماد  
به نظام بانکداری (که می دانیم  
کارگران اصلی اقتصاد وابسته بوده و  
هست) می گویند، همگی تحت عنوان  
شرایط جنگ، جلوی احقاق حقوق  
کارگران و زحمتکشان را می گیرند،  
و... این شکل پوشیده ای از "وحدت"  
مورد نظر سران حکومت است که بدون  
زحمت (!) به آن دست یافته اند و چنان  
دارد از این بابت به هم تبریک بگویند  
اما در همین زمینه های مورد توافق  
نیز جنگ زرگری ادامه دارد و هر یک از  
طرفین دعوا سعی دارد برای بیرون  
بقیه در صفحه ۱۱

خبرهایی از:  
جنبش مقاومت  
خلق کنسرد

صفحه ۷

### در این شماره:

● اخبار کارگری

● تختی پهلوان مردم بود

● انقلاب کو باود ستاورد های آن

● نظام سرمایه داری همچنان جان  
کارگران را می گیرد

تحصن  
وانندگان شرکت واحد  
مشت محکمی بر دهان باوه گویان

صفحه ۸

رفقا، هواداران  
با کمکهای  
مالی خود سازمان  
را در پیشبرد امر  
انقلاب یاری رسانید!

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و  
پایگاه داخلی

بقیه از صفحه ۱

های نا آگاه را سردرگم کرده است که با لایحه ضد انقلاب کیست و انقلابی چه کسی است ؟ از اینجا ضرورت پرداختن به این مسئله و بیرون آوردن توده ها از این سردرگمی مطرح می شود .

برای روشن شدن مسئله بهتر است بعموم پرداختن به تعاریف کلی به واقعیات مشخص رجوع کنیم . و به فردای قیام بازگردیم . هنگامی که توده های انقلابی پس از نزدیک به دو سال مبارزه آشکار ، با قهر انقلابی خود نظام پوسیده و منحط سلطنتی را به گورستان تاریخ سپردند و دولت موقت بنام " دولت انقلاب " و بنام " انقلاب " فرمان توقف تخریب نظام کهنه و پوسیده حاکم را صادر کرد . انقلاب را پایان یافته اعلام نمود و ضمن قدرت دانی ! از توده ها و گرامیداشت شهدای انقلاب از توده ها خواست که رسالت خود را پایان یافته دانسته ، وظایف دیگر را به " دولت انقلاب " واگذار کنند ، به زندگی معمولی خود بازگردند و همانند انسانهای سربه زید دوران رکود را شمشینش به زندگی برده و ارضوخیش و تبسیت از اربابان خود ادامه دهند تا کمیته که بقدرت رسیده بود سدی بر سر راه پیشرفت انقلاب شود فرمان توقف آن و پایان یافتن اقدامات انقلابی توده ها را صادر کرد . اما برای توده ها سرنگونی رژیم سلطنتی نخستین گام در راه انقلاب بود و انقلاب رسالتی بسیار عظیم تر را به عهد داشت . توده ها که انقلاب را حق خود میدانستند و هر چند نه کاملاً آگاهانه بلکه بطوری غریزی وظایف انقلاب و اهداف آن را درک می کردند در جهت نابودی تمام دستگاههای ستمگری رژیم گذشته و کسب آزادیهای هر چه بیشتر ، بسوی برانداختن سیستم سرمایه داری وابسته و محوکامل ستم و سلطنت امپریالیسم پیش میرفتند . کارگران ، دهقانان و دیگر توده های زحمتکش شهری ، به همراه سازمانهای انقلابی خود ، در راه انقلاب و پیش برد وادامه آن بودند ، اما سرمایه داران و زمینداران و نیز حکومتی که بنام توده ها و بنام انقلاب بقدرت رسیده بود ولی از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع و آنها را نمایندگی می کرد ، مانع انقلاب ، مانع پیشرفت و بسط آن یعنی ضد انقلاب بودند . حاکمیت مدعی بود و امروز نیز مدعی است که نماینده انقلاب و نماینده توده ها است بنا بر این آنچه که می گوید و به آن عمل می کند انقلابی است و بجز آن تمام ما ضد انقلابی است . حاکمیت بر هر مبارزه انقلابی که سرمایه داران ، بر هر مبارزه انقلابی دهقانان علیه زمینداران و بر هر مبارزه انقلابی توده ها و سازمانهای انقلابی مرفضند انقلابی زد ، مبارزات برحق کارگران علیه سرمایه داران ، مبارزه برحق خلقهای کرد ، ترکمن و عرب ، مبارزات -

## ضد انقلاب کیست

دهقانان ، مبارزات دانشجویان و دانش آموزان را بنام ضد انقلاب سرکوب کرد . اما دفاع از منافع سرمایه داران دفاع از حفظ سیستم سرمایه داری وابسته ، دفاع از زمینداران بزرگ را انقلابی خواند .

این چنین است که به روشنی می بینیم ، چگونه هر آنچه که انقلابی است ، ضد انقلابی می شود ، و هر آنچه ضد انقلابی است انقلابی می گردد .

ضد انقلاب حاکم برای مقابله با انقلاب بیش از هر چیز سازمانهای انقلابی را که مدافعین آگاه منافع طبقاتی توده های زحمتکش هستند بعنوان ضد انقلاب مورد حمله قرار میدهد ، و سرکوب سازمانهای انقلابی اعم از فدائی و مجاهد و سازمانهای انقلابی دیگر را بعنوان ضد انقلاب در دستور کار خود قرار میدهد و فدائیان خلق کسبه پی گیری خود را در راه مبارزات انقلابی توده ها در طی نزدیک به ده سال در عمل نشان داده اند ، بیش از همه بعنوان ضد انقلاب مورد حمله قرار می گیرد .

اما چرا ضد انقلاب ؟

آیا مبارزه در راه نابودی سیستم سرمایه داری وابسته ، نابودی سلطنت امپریالیسم ، نابودی تمام روبریهای سیاسی کهنه ، مبارزه در راه محور گونه ستم ، انقلاب است یا ضد انقلاب ؟

آیا مبارزه در راه سلب مالکیت از سرمایه داران وابسته و سرکوب آنها ، کنترل کارخانه ها و صنایع بدست شوراهای کارگری ، سلب مالکیت از زمینداران بزرگ ، سرکوب آنها ، و واگذاری زمین به دهقانان انقلاب است یا ضد انقلاب ؟

آیا مبارزات برحق خلقها ، دفاع از مبارزات حق طلبانه خلقهای کرد و ترکمن ، مبارزه در راه تساوی حقوق زن و مرد ، دفاع از حق کار برای کارگران ، زمین برای دهقانان ، مسکن برای توده ها ، استقلال برای ایران و آزادی برای خلق انقلاب است یا ضد انقلاب ؟

سرمه داران جمهوری اسلامی فریاد می زنند ضد انقلاب است و مدام در بلندگوهای تبلیغاتی خود کسانیکه از موارد مذکور دفاع میکنند و بخواطیر آنها مبارزه نمایند ، ضد انقلابی معرفی می کنند . تخطی به مالکیت خصوصی تخطی به منافع سرمایه داران و زمینداران ، مبارزه پی گیری در راه گسستن تمام بندها و پیوندها با امپریالیسم ، دفاع از شوراها و توده های و تسلیح خلق ، دفاع از منافع کارگران و دهقانان و مبارزه در راه آگاه کردن و متشکل نمودن آنها ، همه اینها از نظر حاکمیت ضد انقلابی است اما ، ما می گوئیم تنها این اقدامات انقلابی است ، ضد انقلابی کسی است

که از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع کند ، ضد انقلاب کسی است که در مقابل اقدامات انقلابی کارگران و دهقانان با بستن و با قهر ضد انقلابی آنها را سرکوب کند ، ضد انقلاب کسی است که در راه معوونا بودی سلطه امپریالیسم گام بردارد ، و سیستم سرمایه داری وابسته را حفظ کند ، ضد انقلاب کسی است که ساواکیها و کودتاچیان را از زندان آزاد می کند و آنها را در مقامات مناصب حساس قرار میدهد ، اما نیروهای انقلابی را به زندان میفرستند و شکنجه می کنند . ضد انقلاب کسی است که توده های زحمتکش را خلع سلاح می کند و ارتش ضد خلقی را با زسازی می نماید ، ضد انقلاب کسی است که معلمین و محصلین آگاه و انقلابی را از مدارس اخراج می کند و نشاگانه ها را به بهانه نفوذ کمونیستها تعطیل می کند ، ضد انقلاب کسی است که سرسپردگان رژیم شاه را در مناصب خود ابقا میکند و ساواکیها را در ادارات و مدارس در رأس هیئت های با کسب قرار میدهد ، ضد انقلاب کسی است که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها را محدود و لوکدماسا می کند و با زور سر نیزه ارتش ، سپاه پاسداران ، کمتیه ها و حملات وحشیانه مزدوران حزب الهی به توده های زحمتکش و سازمانهای انقلابی آنها حمله می کند . اینها هستند آن چیزها که ضد انقلاب را از انقلاب و نیروهای انقلابی و ضد انقلابی را از یکدیگر متمایز می سازند ، اما نه تنها سرکار جمهوری اسلامی بلکه با دوان آنها نظیر " کمیته مرکزی در حال مخدوش کردن آنها هستند . زیرا " کمیته مرکزی " نیز که خود را به بورژوازی فروخته است ، و به آن سازش کرده است ، و هر روز خود را با دامن این یا آن بخش آن می اندازد نیروهای انقلابی را ضد انقلاب معرفی می کند . آنها که تا دیروز با زرگان ضد انقلابی را می ستودند ، به او و نامش سرگشاده می نوشتند و از او می خواستند که بنام انقلاب و دولت انقلابی از دستاوردهای انقلاب دفاع کنند امروز بنی صدر لیبرال را که بنا به تمام شواهد موجود در خط محو استقلال و آزادی حرکت می کند ، کسی که آشکارا خواستار تداوم و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته است ، کسی که در حال بازسازی ارتش این ارگان ضد خلقی است ، کسی که در تمام جنایات هیئت حاکمه علیه خلق سهیم بوده است و به تمام معنای ضد انقلابی است . دمکرات مدافع استقلال و آزادی معرفی می کند . آیا خیانتی عظیم تر از این ممکن است که هنگامیکه توده های نا آگاه تصور می کنند بنی صدر ، انقلابی و مدافع استقلال و آزادی است بدنحال او راه می افتند ، او را مدافع آزادی و استقلال معرفی کرد ؟ آیا خیانتی عظیم تر از این ممکن است که جناح ضد انقلابی دیگر حاکمیت را که دشمنان سوگند

بقیه در صفحه ۱۴

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



# مبارزه کارگران ایرالکو، توطئه اخراج کارگران انقلابی را به شکست خواهد کشید



## مبارزه کارگران دخانیات برای گرفتن پاداش

کارگران دخانیات حدود یکماه است که جهت گرفتن پاداش سه ماهه خود دست به مبارزه ای پیگیر زده اند. آنها حدود دو هفته پیش در "انبار تولید" کارخانه وابسته و اجازه ندادند محموله از کارخانه خارج شود. بعد از یک هفته به کارگران قول دادند به خواست ها ایشان رسیدگی شود. کارگران نیز اجازه دادند که کارخانه خارج شود. در همان هفته یک جلسه سخنرانی در کارخانه برپا شد، ابتدا مدیر عامل صحبت کرد و گفت: "این کاری یعنی دادن پاداش در اختیار من نیست دولت باید اینکار را بکند". سپس معاون نخست وزیر که به کارخانه آمده بود سخنرانی کرد و ضمن صحبتها پیش خطاب به کارگران گفت: "شرف و حیثیت شما به خطر افتاده شما باید خودتان را از این خطر نجات دهید، تا مردم در صف نیایستند و به شما فحش ندهند". کارگران او را هو کرده و او را از پشت تریبون دور کردند سپس کارگری برای کارگران صحبت کرد و گفت "اینها نمی دانند که کارگران این کارخانه از باسرفترین کارگران هستند آنها ۲۵ سال با رژیم گذشته مبارزه کردند و با نان خشک زندگی کردند و اعتماد خود را نشکستند حالا قایبان می آیند می گویند "بی شرف هستید" کارگران دخانیات دوباره تصمیم گرفتند از خروج کالا از کارخانه جلوگیری کنند. آنها مصمم هستند، پیگیرانه، تا رسیدن به حقوق حقه خود، به مبارزه شان ادامه دهند.

حدود دو ماه پیش از طرف مقامات سازمان گسترش، "مظهری" به مدیریت عامل کارخانه آلومینیم اراک ایرالکو گمارده میشود. او بلافاصله با دستگیری خود فروختگانی چون "کیموان" عضو حزب جمهوری اسلامی در منطقه و "شاد" رئیس سابق توسعه و چند مزدور دیگر سرمایه داری وابسته در سازمان گسترش توطئه یورش به شورای انقلابی کارگران را طراحی و اجرا کرد. در روز ۱۱/۸/۵۹ حکام اخراج و تعلیق اعضاء شورا و چند سرپرست را درگردد (در ضمن برای مخدوش کردن ذهن کارگران چند نفر ضد کارگران نیز که با انجمن اسلامی همکاری نمیکردند و به مدیریت عامل نیز خدمت نمیکردند به همراه مابریزین اخراج کردند!!). بدین حال این اقدام ضد کارگری، اعتراض کارگران بالا گرفت. کارگران

شب کار روز کار را متحداً برای بازگرداندن اعضای اخراجی، مبارزه را آغاز کردند. سرمایه داران نیز متقابلاً دست به عمل زدند: پیاداران به کارخانه ریختند و دستان انقلاب "قدیانی" در کارخانه مستقر شد و اعلام کرد که بنا به شکایت انجمن اسلامی! اعضای شورا را باید محاکمه کرد. کارگران یکپارچه فریاد برآوردند: "آنها نمایندگان واقعی ما هستند. جرمشان دفاع از منافع ماست و تنها ما صلاحیت محاکمه آنها را داریم". یکی از کارگران ساکن احیاء که در شرایط ملاقات فرسای کوره های ۲۰۰۰ کیلوگرم می کند با سروصورت سیاه و دستهای زخمی فریاد کشید: "ما خودمان به زور و بعنوان یک وظیفه، نمایندگان شورا را به عهد اینها گذاشتیم، حالا گرفتار است اینها بقیه در صفحه ۴

## اخباری چند از شرکت واحد اتوبوسرانی

در اواخر آبانماه مدیریت شرکت واحد بمنظور خوش خدمتی به اربابان تصمیم گرفت کارت شناسائی کارگران فنی را تعویض کند. بنا بر این تصمیم، کارت های همه کارگران فنی را جمع آوری نموده و کارت های جدید برای آنها صادر کرد. در موقع تحویل کارت های جدید، مدیریت از کارگران خواست که تعهد کتبی بپردازند، تا چنانچه بهر علتی کارت هایشان را گم کردند، مبلغ یک هزار تومان جریمه بپردازند، که با اعتراض یکپارچه کارگران روبرو شد. کارگران ضمن اعتراض شدید به مدیریت متحداً از شوراهاشان خواستند که کارت های قدیمی شان را از مدیریت پس بگیرند. شوراها موفق شدند کارت های قبلی را از مدیریت پس گرفته و به کارگران بازگردانند. در هفته اول آذرماه مدیر عامل شرکت واحد با استفاده از شرایط موجود دست به اقدامی برای استئفا ریبیشتر کارگران زد. او با قطع کامل اضافه کاری تصمیم گرفت کلیه کارگران را به دوشیفت تقسیم نماید. در پی این

تصمیم، مدیریت طی بخشنامه ای به کلیه تعمیرگاه ها، روسای قسمت ها را ملزم ساخت تا این طرح را اجرا نمایند. این بخشنامه در تابلو اعلانات و قسمت کارت زنی نصب شد تا همه کارگران از مفاد آن مطلع شوند. کارگران تعمیرگاهها به محض مشاهده این بخش نامه بطور دستجمعی به آن اعتراض کردند. روسای تعمیرگاهها چون با اعتراض یکپارچه کارگران روبرو شدند خود را در مقابل کارگران ناتوان دیدند، از نمایندگان شوراها و سندیکاها دعوت کردند تا با مدیریت فنی (چرخه جی) درباره این بخشنامه جلسه ای تشکیل دهند. در این جلسه نمایندگان شوراها به حرکت خود سرانه مدیریت اعتراض کرده و مفاد بخشنامه را غیر قابل اجرا دانستند. همچنین در این جلسه نماینده شورای تعمیرگاه شماره ۲ طرحی را ارائه داد که بجای شیفت دوم، کارگران روزی ۱ ساعت اضافه کاری نمایند و جمعه ها را تعطیل باشند: و در ازای ۱ بقیه در صفحه ۴

## هیات حاکمه عناصر ضد کارگر را ارتقاء مقام میدهد

چندی پیش "یکیتا" یکی از مسولین کارخانه ماشین سازی تبریز بدلیل عملکردهای بقیه در صفحه ۴

# نظام سرمایه داری همچنان جان کارگران را می گیرد (۱)

در صفحه ۴

# باید با استخدام کارگران بیکار، بساط "اضافه کاری اجباری" در کارخانه ها برچیده شود!

### نظام سرمایه داری همچنان...

در یکی از کوره پزخانه های اطراف کرج کارگری بنام علیرضا های درحین "گل مالی" بالای کوره به داخل کوره سقوط می کند کارگر مذکور داخل کوره ذوب می شود. جمعه سرعلیرضا را با چند استخوان نیم سوخته برای پزشک قانونی به تهران فرستادند تا اجازه دفن صادر شود. چند نفر برای تشکیل پرونده به آنجا می روند تا به "اصطلاح ما موریت" خود را انجام دهند تا کنون هیچگونه حقی بابت بیمه حوادث و سانه و بیمه عمر و... به خانواده ایی کارگر تعلق نگرفته است. مرگ علیرضا به روشنی سودجویی کارفرمایان و استثمار چریکها و وحشیانه رادرنظام سرمایه داری به نمایش گذاشت. بی شک این اولین سانحه و آخرین آن هم نخواهد بود تا سرمایه داری باقی است این وضع کم و بیش ادامه دارد اما کارگران از کناره اینگونه ستم ها بی تفاوت نخواهند گذشت آنها با اتحاد و تشکل خویش به همراه زحمتکشان نظام جا برانه سرمایه داری را به زیاله دانی تاریخ خواهند فرستاد.

کارگری که در "ویره" یکی از روستا های اطراف شهریار زندگی می کرد روز شنبه ۹/۱۵ بعد از اینکه خانه اش را به آتش می کشد به علیشا عوض رفته و بسا خوردن سم بزندگی خود خاتمه داد. زن این کارگر که خود در یکی از کارخانجات کفش ملی کار می کند می گفت "در نتیجه بیکاری و فقر و فلاکت دچار بیماری روانی شده بود.

سرانجام، فشار مالی روز افزون با تشدید بیماری او را به این عمل واداشت "اما کارگران باید بدانند که راه مبارزه با سرمایه داران خودکشی و دادن میدان بدست آنها نیست بلکه باید با اتحاد و تشکل و مبارزه پیگیر نظام جا برانه سرمایه داری را بر سر انداخت.

روز پنجشنبه ۹/۶ "عبدالله بلوی" کارگر پالایشگاه نفت اصفهان در اثر نبود وسایل ایمنی کارخان خود را از دست میدهد. او در حالیکه مشغول تعمیر هواکش یکی از قسمتها بوده در اثر خروج ناگهانی مقدار زیادی گاز از کانال هواکش، تعادل خود را از دست داده و از همان ارتفاع به پائین سقوط می کند، این

سومین کارگری بود که جان خود را به این ترتیب از دست می داد. عبدالله که دو فرزند هشت تنه از آنجا به جا مانده بود. اکنون آنها چه باید بکنند؟ چه کسانی عامل اینگونه فجایع می باشند؟ هر روز که می گذرد کارگران به تریبی می برند که نظام سرمایه داری ریشه تمام این مصیبت ها است. آنها می بینند با اینکه اینگونه حوادث شیوع و وجود دارد اما سرمایه داران و دولتیان حامی آنها هیچگونه اقدام جدی در این زمینه بعمل نمی آورند. مثلاً در همین پالایشگاه اصفهان این اتفاق تا کنون ۳ بار وقوع پیوسته و مسئولان بی شرم پالایشگاه و آربابان آنها گویی ککشان هم نگزیده است. هر روز که می گذرد کارگران به تریبی می برند که اینچنین واقعه هایی در انتظار آنها نیز هست و حاکمیت موجود خدمتگزار سرمایه داران است، آنها پی می برند که تنها اتحاد آگاهان آنها کارگران در مبارزه علیه سرمایه داران و حاکمیت حامی آنان راه چاره است. مبارزه ای که باید از تلاش برای بهبود شرایط کار شروع شده و تا نابودی نظام سرمایه داری ادامه یابد.

### مبارزه کارگران ایرالکو...

بقیه از صفحه ۳

محاكمه شوند، ما را نیز باید محاکمه کنید." غریب حق طلبانه و یکبارجه کارگران سرمایه داران و حامیان آنها را به لوزه انداخت. سرانجام، پس از چند روز مبارزه، اعضای اخراجی شورا در میان هیاهوی شادی کارگران به کارخانه بازگشتند. ولی توطئه های سرمایه داران برای اخراج کارگران مبارز همچنان ادامه دارد. کارگران آگاه و مبارز ایرالکو میگویند: "آنها (مدیرعامل، دادستان انقلاب، امام جمعه، استاندار) همه ضد کارگران و یک قماشند."

کارگران پیشرو اعتقاد دارند رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران هرگز از هیچ حيله و نیرنگی برای از هم پاشیدن شورا های واقعی کارگران فروگذار نمی کنند و وقتی نتوانستند شوراها را منحل کنند اکنون کوشش میکنند به هزار دسیسه، شورا های فرمایشی و دست آموز خود را بجای شورا های واقعی کارگران بنشانند. ولی طبقه کارگران ایران با مبارزات پیگیر خود و با آگاهی ای که از ضرورت وجودی شورا های واقعی خود دارد هر روز در برابر توطئه های سرمایه داران ایستادگی کرده و نقشه های شوم آنان را افشاء میکند و مصرا نه و متحدان شورا های انقلابی خویش دفاع میکند.

برطنین تریباد غریب حق طلبانه کارگران کارخانه آلومینیم ازاک به پیش! شورا های انقلابی کارگران

### اخباری چند از...

بقیه از صفحه ۳

ساعت اضافه کاری روزانه، حقوق جمعه راد و برابر دریافت دارند. نمایندگان شوراها با این طرح موافقت کردند اما مدیر فنی و روسای تعمیرگاهها حاضر به قبول این طرح در آن جلسه نشدند و قرار شد که روز بعد مدیر فنی جواب را توسط روسای تعمیرگاهها ابلاغ نماید. روز بعد مجدداً روسای تعمیرگاهها طبق دستور مدیریت خواستار اجرای طرح دوشیفتی کار شدند که با مخالفت جمعی کارگران و شوراها روبرو شد و در بعضی از تعمیرگاهها درگیری شدید لفظی برسر این مسئله پیش آمده و کارگران در سالن ناها ر خوری اجتماع کردند. در مقابل اعتراض و مقاومت یکبارجه کارگران مدیریت مجبور شد با پیشنهاد شوراها موافقت نماید.

مدیریت شرکت واحد بنا به ماهیت ضد کارگری خود همچنان به توطئه هاییش ادامه میدهد. در هفته گذشته بدنبال شکست طرح دوشیفته کردن کار به حیلۀ جدیدی متوسل شد. در طرح جدید مدیریت عوام فریبانه به کارگران پیشنهاد کرد که اگر چنانچه بیشتر کار کنند تا سطح فروش را بالا ببرند در ازای هر یک میلیون تومان ۱۰٪ آن به کارگران تعلق میگیرد. مدیریت با این حیلۀ موفق شد در بعضی از قسمتها بطور غیر مستقیم همان طرح دوشیفت کردن کار را پیاپی ده کند. او که همچون روباه مکارانه برای رسیدن به اهدافش طرحهای گوناگونی می ریزد توانست با این حقه که اولاً سود آربابان خود را افزایش میدهد، ثانیاً اینکه معلوم نیست چه ارگانی باید در آمد کل شرکت را حساب کرده و ۱۰٪ آن را تعیین نماید،

### هیئت حاکمه عناصر...

بقیه از صفحه ۳

مشخص ضد کارگری اش با اراده واحد کارگران یکی از قسمت ها (با جمع کردن ششصد مضا) از کارخانه اخراج میگردد. اما هیئت حاکمه وی را بعنوان یکی از مسئولین سازمان گسترش مجدداً بکار میگیرند و هنگامی که کارگران مبارز پاکسازی شده به سازمان گسترش مراجعه میکنند با وی روبرو میشوند. "یکیتا" به کارگران میگوید: "شما خیال کردید دیکتاتور پیرولتاریا را در کارخانه ها پیاده میکنید، شما میدانستید که ریش و تسبیح میتوانند شما را بشود" اکنون کارگران دریا فته و هر روز بیشتر در می یا بند که هیئت حاکمه مدافع سرمایه داران در حالیکه دست باخراج کارگران و زحمتکشان مبارز میزند، عناصر ضد کارگران را به پستهای بالاتر ارتقا میدهد. اما بدنیت "یکیتا" نیز به همراه تمامی سرمایه داران و عواملشان بداند هنگامی که کارگران در حزب واحد خود متشکل شده و در یک انقلاب کارگری قدرت سیاسی را بدست آورند و زمانی که دیکتاتور پیرولتاریا پیاده نماید اراده کارگران است که بر همه چیز حاکم خواهد بود.

\*\*\*\*\*

کارگران فریب دهنده و بخوبی میدانند چگونه از حیلۀ های نظام سرمایه داری برای استثمار بیشتر کارگران استفاده کنند. اکنون اکثریت کارگران به ما هیئت این طرح پی برده اند و با آن مخالف میباشند. اما بدلائل مختلف از جمله ترس از اخراج تا کنون به حرکت اعتراضی متشکل و منسجمی دست نزده اند. ولی زمزمه های نارضایتی از هر سو بگوش می رسد

# دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است!

عصر سه شنبه ۲/۱۰/۵۹ را نندگان منطقه شرکت واحد در پیا ر کینگ کوی کن دست به تحصن میزنند. در فردای تحصن تعداد رانندگان به بیش از هزار نفر میرسد. حدود ۵۰ نفر از کارگران فنی بر روی مقوایی حمایت خود را از "خواستهای برحق رانندگان" اعلام میدارند. تحصن رانندگان بیش از یک شبانه روز قهرمانانه ادامه مییابد. "زوارهای" جانشین شهردار تهران برای شکستن اعتصاب وارد میدان می شود. پس از مدتی تلاش برای فریب رانندگان موفق نشده و ناچار متعهد می شود که کلیه خواستهای رانندگان را برآورده سازد. از طرف دیگر با زگشت علی رازانی یکی از همکاران اخراجی راننده ها، تحصن با موفقیت نسبی و مشروط به برآورده شدن خواستههایشان پایان یافت.

فشار بیش از حد و زورگویی های مدیریت شرکت واحد برای کلیه کارکنان شرایط طاقت فرسایی را ایجاد نموده است. اگر زحمتکشان مناطق ۱، ۲ و ۳ شرکت واحد، چند ماه پیش برای جلوگیری از توطئه های "علی رضا هندی" مدیرعامل شرکت واحد چند روز متوالی پس از اتمام کارشان تحصن نمودند، اینبار کارکنان منطقه ۴ بر علیه مدیریت پیا خواستند.

مدیرعامل شرکت برای شکستن تحصن رانندگان ابتدا سعی می کند از رانندگان شرکت نفت و جاهای دیگر استفاده کند. اما وقتی موفق نمی شود به ژاندارمها و پاسداران متوسل می شود. در این بین آخوندی هم برای سخنرانی می آید (آنها طبق معمول سعی می کنند از هر دو شیوه فریب و سرکوب در اینجا نیز استفاده کنند) آخوند شروع به صحبت می کند. آسمان وریسمان را بهم می افکند. هر چه آیه در ذهنش است بکار می گیرد. اما موفق به فریب رانندگان نمیشود. و بالاخره عاجزانه می گوید: "جان امام خمینی از این جا بروید موقعیت حساسی است". اما فشار کمربند زندگی از یک طرف و توطئه های مدیریت از طرف دیگر آنچنان وضعی برای رانندگان بوجود آورده که دیگر این حرفها اثر خود را از دست داده اند. آخوند می رود. خشم و نفرت در رانندگان متحصن موج میزند. در محوطه پراکنده اند. پاسداران و ژاندارمها نیز به جولان در می آیند. هر لحظه انتظار درگیری می رود. اما هنوز از بالادست سرکوب نداده اند. ساعت ۲ بعد از ظهر است. روزنامه اطلاعات بدست کارگران می رسد. مطلبی درمورد اعتصاب کارگران نوشته است. رانندگان با اشتیاق کپه کپه به خواندن روزنامه مشغول می شوند. اما مگر یکی از ارگانهای رسمی جمهوری اسلامی چه می تواند در این باره نوشته باشد؟ بلکه کارگران (ستون پنجم دشمن آمریکا) قلمداد شده بودند. این مطلب که از طرف هیئت مدیره به روزنامه داده شده بود، خشم کارگران را به اوج رسانید. داد و فریاد همه بلند شده بود یکی از کارگران با تمسخر میگفت: "بچه ها فردا موهای سرتان را حنا بگذارید تا لا اقل از نظر ظاهر ما مانند آمریکایی ها باشیم!!" از طرف

# تحصن رانندگان شرکت واحد مشت محکمی بر دهان باوه گویان

دیگر مدیریت سعی کرده بود با حرکت کارگران را فقط در رابطه با اخراج علی رازانی از شرکت واحد و این تحصن را توطئه او و تعدادی معدود معرفی کند. در این مورد یکی از کارگران میگفت: "در اینجا مسئله علی رازانی مطرح نیست بلکه اعمال قدرت کارگران مطرح است، ما باید حتماً را بگیریم. همه جا بحث در گرفته بود نفرت از هندی و حزب جمهوری اسلامی حامی او هر لحظه افزایش می یافت.

ساعت ۵ بعد از ظهر بود که اعلام شد آقای زوارهای جانشین شهردار تهران برای صحبت کردن آمده است. پس از آمدن وی در بین رانندگان یکی از آنها خواستهای کارگران را چنین مطرح کرد:

- ۱- اخراج "هندی"، مدیرعامل و هیئت مدیره از شرکت واحد.
- ۲- بازگشت علی رازانی به شرکت.
- ۳- ۱۲ نفر از کارگران اخراجی باید به کار خود بازگردند.
- ۴- پس از پایان اعتصاب تضمین شود که کسی اخراج نگردد.

رانندگان زحمتکش شرکت واحد پس از طرح خواسته های خود با دادن شعارهایی مانند مرگ بر هندی... هندی اعدام باید گردد... خواستار رسیدگی به خواسته هایشان شدند. پس از آن زوارهای شروع به صحبت نمود. طبق معمول کلی گویی ها شروع شد. اینکه "ما چهره نجها کشیدیم" اینکه "انقلابمان اسلامی بود". اینکه "قدر شهید دادیم" و دهها مورد دیگر از این قبیل و... برای رسیدن به اینکه الان نیاید اعتصاب کنیم. او که متوجه شده بود از اینکه کارگران ستون پنجم دشمن نسبت داده شده نا را احتند، گفت "شما نمی توانید ستون پنجم دشمن باشید" ولی چند لحظه بیشتر نگذشته بود که ادامه داد "... اما شما را می توانند گول بزنند." به این ترتیب مشت او نیز نزد رانندگان گشوده شد. او هم فقط می خواست به ترتیبی شده اعتصاب را بشکند. وقتی نتوانست از اتهام "ستون پنجم" استفاده کند، از "گول زدن" کارگران استفاده کرد. و به این ترتیب رانندگان مبارز شرکت واحد را تا حدی آگاه ساده لوح و ها لویا شن آورد. ستون پنجم بدون

و "گول خوردن" دوروی یک سکه اند و از یک تفکر نشئت می گیرند. تفکری که نه می خواهد و نه می تواند آگاهی و اراده مستقل برای طبقه کارگر قائل باشد. چون طبقه کارگر آگاه و با صف مستقل خود مدار از روزگار اینان درخواهد آورد.

صحبت زوارهای زیاد طول نکشید. رانندگان وقتی در گفتار او خواسته های خود را نیاقتند تدریج متفرق شدند. او که از این موضوع شدت عصبانیتی بود، سعی کرد هر چه زودتر حرفش را تمام کند. بالاخره در پایان قول داد که به کلیه خواسته های رانندگان رسیدگی کند. همچنین قول داده شد که مدیریت عامل شرکت عوض شود، هر چند که هنوز تصمیم جدی در این مورد گرفته نشده است. با بازگشت همکاران اخراجی رانندگان به میان آنها تحصن موقتاً پایان یافت. اما رانندگان و دیگر زحمتکشان منطقه شرکت واحد همچنان بر خواسته های خود مصرند.

رانندگان و کمک رانندگان، کارگران تکنسینها و زحمتکشان تعمیرگاههای شرکت واحد اتوبوسرانی!

در شرایطی که دارو دسته لیبرالها فریبکارانه سعی دارند از مبارزه برحق رانندگان شرکت واحد بنبغ خود اسفاده نمایند، و از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی با دفاع از مدیریت می کوشد تا کارگران را ضد انقلابی معرفی کند. بیش از هر زمان دیگر باید کوشید تا چهره ضدکارگری لیبرالها به رهبری بنی صدر پوشیده نماند. از سوی دیگر "هندی" مدیرعامل شرکت می گوید "این همدین اعتصاب و تحصنی است که در این دو سال اتفاق افتاده است و تاکنون همه را مهار کرده ایم."

(۴دی روزنامه جمهوری اسلامی) برآستی که در این مورد حق برآوست. آنها حتی موفق شدند به هر حیلای بوده، اعتصاب اخیر را نیز "مهار کنند". از زمانیکه "هندی" مدیرعامل این شرکت شده است، فشار و ستم وارده بر کارگران دوچندان گردیده است. باید توجه داشت که هندی خود نیز یک مهره نظام سرمایه داری - بیشتر نیست، و در شرایط کنونی تنها شکل کارگران در شورا های انقلابی بهترین راه مقابله با نظام سرمایه داری و عوامل آنها در کارخانه ها است با تقویت و انقلابی کردن شورا های کنونی بکوشید تا کارگران مبارز و اخراجی را برگردانید. و هندی، مدیر عامل ضدکارگر شرکت واحد را اخراج کنید.

شورا های انقلابی مانع خود-سریهای مدیران درواحدها خواهند شد. "هندی" و امثال او اگر بایک شورای انقلابی روبرو بودند هرگز نمی توانستند اعتصابهای برحق کارگران را مهار کنند.

دیگر نباید فریب وعده و وعیدای این استکبارگران را خورد. متحد شوید! مبارزه کنید! و پیروز شوید!

## هردم از این باغ...

بقیه از صفحه ۱

طرح سؤال یکی از نمایندگان مجلس در جلسه چهارشنبه ۱۰ دیماه از دولت در مورد مسئله مربوط به خرید ناوهای جنگی از دولت انگلیس، و پاسخهایی سرتوخته نماینده دولت دائر بر اینکه این قراردادها در زمان رژیم سابق بسته شده ما آنها را ابقاء کرده ایم گوشه دیگری از سیاستهای این دولت با ملاحظه "فدای میریالیست" را برای توده های مردم افشا کرد و نشان داد که میان فدا میریالیست بودن در حرف و فاصله عمیقی وجود دارد. سازمان جمهوری اسلامی در حالیکه در حرف ضد امپریالیست اندو مدام برای فریب توده های مردم شعارهای ضد امپریالیستی میدهد، در عمل به امپریالیسم خدمت میکند، یعنی قرار - دادهای اسارت با ر ا بقاء می کنند میلیاردها ریال کالا و سرمایه وارد

می کنند، سفارشات پی در پی خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی میدهند. .... و این همه در شرایطی صورت می گیرد که زحمتکشان میهن ما زیر فشارهای متعدد اقتصادی، بیکاری، - گرانی، کمبود ما بحتاج زندگی و تحمل با رورشکستگی مالی دولت قرار دارند.

دولت از توده های ما خواهد که بخاطر مبارزه با امپریالیسم، اینهمه فشار و بدبختی را تحمل کنند، اما آنها هر چند وقت یکبار که گوشه ای از سیاستهای دولت افشا می شود، می بینند که میلیاردها ریال ثمره تلاش و کار آنها درست بحیب همان انحصارات - امپریالیستی سرازیر می شود که آنها فکر می کردند بخاطر مبارزه با آنها باید مشکلات را تحمل کنند. توده های پی می برند که دولت می گوید کارگران بیشتر تولید کنند تا ثمره کار شما بحیب سرمایه داران داخلی و انحصارات جهانی برود. دهقانان بیشتر جان بکنند تا جیب سوداگران اسلحه انگلیسی و آمریکائی پر شود، کسبه و

خرده تولیدکنندگان، کارمندان، معلمین و محصلین تمام ممالک و مشکلات را تحمل کنند تا دولت جمهوری اسلامی میلیاردها ریال برای خرید ناوهای جنگی، قطعات و تجهیزات و لوازم یدکی و غیره و غیره بحیب سرمایه داران جهانی سرازیر کند، ما یقین داریم که هنوز بسیاری قرار - دادهای اسارت با ر بین دولت جمهوری اسلامی و دولت های امپریالیستی وجود دارد و در آینده نیز شاهد روشن شدن پاره ای از آنها خواهیم بود. بنا بر این به توده های زحمتکش، به کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری می گوئیم برخلاف ادعاهای جمهوری اسلامی ثمره کار و کوشش شما بحیب سرمایه داران داخلی و انحصارات - جهانی می رود، دولت جمهوری اسلامی در حرف ضد امپریالیست است نه در عمل بنا بر این این دولت شایسته هیچگونه اعتمادی نیست، بآن اعتماد نکنید زیرا که شما دروغ می گوید و برخلاف منافع و مصالح شما قدم بر میدارد.

## بخشی از اعلامیه:

درافشای سازشکاران و فرصت طلبان "کمیته مرکزی اکثریت" کوشا باشیم

... خرده بورژوازی نهی "کمیته مرکزی" سازمان (اکثریت) اینگونه با زتاب می شود که این حاکمیت ملی و مترقی است. اپورتونیسیم حاکم بر سازمان که توان و موضع طبقاتی اش اجازه دریافت حقیقت را از واقعیت مبارزاتی باو نمی دهد، زنجیر استثماری کارگران را در دست گرفته و با تشویق به تولید بیشتر و مصرف کمتر زحمتکشان را به قربانگاه امپریالیسم آمریکا و پایگاه خلیج، سرمایه داران وابسته، می راند. او می خواهد امپریالیسم را دروا پسین لحظات مرگ جهانیش به بستر بیماری بکشد، و بقبول خودش فدائیانه با دشمنان خلق درآمیخته و چاکرانه سازش طبقاتی را در نیروی هوادار تبلیغ میکند. "کمیته مرکزی" سازشکار همه علائم ضد امپریالیستی رژیم را بحساب آورده و برخلاف ذهنیت خود یکی یکی پس میگیرد، از دولت بازرگان، از سفارت آمریکا، توطئه کودتا، تا جنگ میهنی اخیر را و هیچ ککی هم و را نمی گزد، حق هم دار کند زیرا بقول مردم گفته، هم رفیق دزد است و هم شریک تا نله! وقتی مقامت خلق کرد یک شبه جنگ افروزی قلمداد شود، چه تعجب از چرخش صد و هشتاد درجه ای در نشانان "کمیته مرکزی"

همشهریان مبارز، هواداران، کارگران، زحمتکشان رنج دیده! حدود بیست ماه از حاکمیت دولت موجود میگذرد، در این مدت ماهیت واقعی دولت، نمودهای خود را در شهر شما زحمتکشان نشان داده اند، گشتار مردم قشم در فاصله چند روز بعد از قیام خلق، به زندان فرستادن کارگران مبارز اسکله و حضور مسلح سپاه پاسداران در محیط کار اسکله، حمله به تحمیل کارگران شهرداری و دستگیری نمایندگان و مقاومت کارگران تا آزادی آنان، یورش به دانش آموزان و معلمان مبارز در آموزش و پرورش و دستگیری نزدیک به ۸۰ تن دانش آموز و معلم، اخراج و تصفیه عناصر مبارز و آگاه آموزش و پرورش در سطح استان، در کنار انگشت شماری ساواکی، تنها جمعی از کارگران بیکار رمتحصن در استان داری و به بند کشیدن پنجاه شصت تن از کارگران بجرم خواستهی ابتدائی شان یعنی کار، گشتار خونین سال گذشته بندر لنگه بوسیله پاسداران و کمیته چپ های شهر، انحلال صنایع فولاد و پراکنده کردن کارگران و کارکنان آن، تعقیب و دستگیری نوجوانان، جوانان، کارگران شهر بجرم پخش اعلامیه و فروش نشریه و دفاع از حقوق زحمتکشان، گرد آوردن تاجران و غارتگران با زارد کمیته امور صنفی جهت هر چه بیشتر چا پیدن مردم، برچیدن بساط دست فروشان کپرنشین شهر (بلوار) انحلال سندیکای کارگران شرکت ایتالیائی "ایتال کنتراکتورز" به حمایت از شرکتهای خارجی چند ملیتی جهت غارت هر چه بیشتر خلق ستم دیده ایران.

درست همزمان با شروع جنگ ایران و عراق، پاسداران کمیته گشت دریا موتور لنج حامل مسافران زحمتکش بخش سیریک از توابع میناب راه گلوله می بندند که منجر به کشته شدن دوزن زحمتکش و زخمی شدن تنی چند از مسافران میشود و بعد سپاه پاسداران خبر جعلی حادثه را با عنوان "دوقا قاجی در حین فرار کشته شدند" (روزنامه جمهوری اسلامی - دوشنبه ۵۹/۷/۲) پخش میکند. تبلیغات غیر انسانی بر علیه هموطنان جنگ زده خوزستان که چرا با دست خالی خود را گوشت دم توپ و تانک عراق بگردید.

براستی هموطنان، همشهریان! این اعمال ماهیت واقعی حاکمیتی ملی و مترقی است؟ مردم می گویند ما که کور نیستیم، هر چه نباشد اقلاکشتی های حامل کالاهای امپریالیستی و غارتگران را می بینیم که شبانه روز در این بندر تخلیه میشوند، ما که شاهد حمایت دولت مردان جمهوری اسلامی از سرمایه داران وابسته و سرکوب زحمتکشان و کارگران هستیم.

چرا باید حقیقت و آرونه جلوه داده شود؟

ما می گوئیم: این فرصت طلبان (کمیته مرکزی - اکثریت) هستند که با موضع طبقاتی و انحرافات خرده بورژوازیانه خود خیالات خام و خوابهای آشفته می بینند و بنا بر ماهیت متزلزل خود می خواهند بگویند. .... که خرده بورژوازی سنتی قدرت واقعی را در حاکمیت در دست دارد.

نابود باد جبهه سازشکاران و فرصت طلبان  
برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - بندر عباس ۵۹/۸/۳۰

## مصادره زمین در روستای انبار

روستای انبار حدود صد خانوار دارد که حدود پنجاه تا شصت خانوار آن دهقانان فقیر، میان حال و مرفه و چهل خانوار آن خوش نشینان هستند. این روستا در حدود بیست کیلومتری بوکان قرار دارد و از حداقل امکانات از قبیل برق، لوله کشی و مدرسه برخوردار است. بیشتر زمینهای حاصلخیز این روستا متعلق به سکوعلیاری، حسینعلیاری و گلایلیعلیاری است. در تاریخ دهم آذر توسط شورائی از روستائیان زمینهای این مالکان مصادره شد. ترتیب قضا یا بقرار زیر است:

از سه هفته قبل دهقانان در مسجد تجمع کرده و پیرامون مصادره زمینهای مالکان بحث میکنند و پس از چندین جلسه بحث و گفتگو تصمیم به انتخاب نمایندگان خوش نشینان و دهقانان کم زمین میگیرند که پس از انتخاب نماینده خود در روز نهم آذر اعلامیه ای صادر میکنند و فردای انتشار اعلامیه زمینها را تقسیم میکنند. روستائیان در این مورد میگویند که ما مجبوریم برای به دست آوردن لقمه نانی اطراف واکناف ایران برویم در حالیکه ما بایروری زمینهای منطقه خودمان کارکنیم. از این جهت پس از تشکیل شورای ده که شامل شش نفر میباشند روستائیان به تدارک لازم برای کشت زمین که عبارتند از تهیه بذرها و کود و تراکتور و غیره می پردازند و متحد و یکپارچه به کشت زمینهای مصادره شده مشغول میشوند. روستائیان میگویند در صورتی که اربابان بخواهند در روستا کارکنند ما به آنها باندازه خودمان زمین میدهم ولی آنها اکنون هیچگونه کاری در روستا ندارند و فقط از دسترنج کار ما استفاده میکنند. هنگام مصادره زمینها تمام دهقانان شعار میدادند "مرگ بر آمریکا مرگ بر فئودال و زمیندار، زمین مال کسانی است که روی آن کار میکنند، مستحکم باد پیوند کارگران و زحمتکشان و با شور و هیجان خاصی به شخم زدن زمینها پرداختند.

## خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق کرد

هدو طنان مبارز خلق دلاور کرد هما نظور که میدانید اکنون بیش از یکسال ونیم از پیروزی انقلاب یعنی پیروزی خلقهای ایران بر استبداد محمد رضا شاه میگذرد. حکومتی که بعد از آن نیز روی کار آمده هیچکاری بفرصت زحمتکشان ایران نکرده و نخواهد کرد. از طرف همین حکومت با صلح جمهوری اسلامی، کردستان عزیز ما مورد حمله و محاصره اقتصادی قرار گرفته است. از این روستا خوش نشینهای قریه انبار را شهرهای بزرگ و صنعتی پروری ما بسته شده و هیچ منبع درآمدی برای امرار معاش نداریم، تصمیم به مصادره زمین فئودالها گرفته ایم. (تیا دورمی شود که هیچکدام از فئودالها در زندگی نمیکنند.) ما تصمیم خود را در مورد مصادره زمین فئودالها در ساعت ده صبح روز ۱۵/۹/۵۹ (فردا) اجرا میکنیم. بنا بر این ما خوش نشینان قریه انبار را از تمامی زحمتکشان سراسر کردستان و تمامی نیروهای مترقی و ضدامپریالیست تقاضا میکنیم که از ما پشتیبانی کرده و ما را در اجرای این کاریاری کنند تا با اتحاد و یکپارچگی خود مشت محکمی بر دهان تفرقه اندازان و پشتیبانان فئودالیسم بکوبیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلیشان تا بود با دپایه های کهنه فئودالیسم سراسر ایران هر چه گسترده تر باد پیوند زحمتکشان سراسر ایران از طرف شورای خوش نشین های قریه انبار ۱۳۵۹/۹/۹

### مصادره زمین

### در روستای امیرآباد بوکان

در این روستا ده خانوار زندگی میکنند که چهار خانوار آنها بی زمین هستند. در تاریخ یازدهم آذر در این روستا یک شورای سه نفری تشکیل میشود که دو نفر از آنها از دهقانان زمیندار و یک نفر بی زمین میباشد. مالک زمینهای این روستا سلیمان علیاری است که چهار صد هکتار زمین دارد. دهقانان این روستا که با محاصره اقتصادی

## آزاد نمودن زندانی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مهاجرت اعلام نمود که سرباز وظیفه جلال کرگریان را که مدتی قبل در حبس ما موریت نظامی دستگیر نموده بود پس از مدتی بعلت اینکه وی تنها مجری دستورات فرماندهان و گردانندگان ارتش ضد خلقی بوده، قابل عفو تشخیص داده و او را آزاد کرد. از این سرباز تعدادی با طری بیسیم مصادره شده است.

رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان از گذشته بدتر شده است خواهان مصادره زمینهای مالکان قیبا شدند در روز دوازدهم آذر، شورای سه نفره روستا تصمیم گرفت زمینهای سلیمان علیاری را بین دهقانان تقسیم کند. روستائیان با شعار اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد، بسوی زمینها حرکت در آمدند و ضمنا همراه خود مقداری بذر گندم و جو و چند تراکتور داشتند و زمینها را مصادره کردند.

دهقانان میگفتند که اگر زمین مال ما باشد بهتر کار میکنیم و میتوانیم بیشتر به جنبشها و مت کمک نمائیم. در همین روز سعد علیاری پسر مالک ده، به روستائی رود زحمتکشان روستا را تهدید بکشتن میکند، اما شورای روستا جوابی مناسب با او میدهد و میگوید: با را اصلی جنبش مقاومت برشانه ما ست و ما علیه هرگونه ظلم و تعدی ایستادگی میکنیم و از زمین که متعلق بخود ما ست دفاع میکنیم.

### درگیری

### در روستاهای اشنوویه

ارزشیان و پاسداران که قمدس رکوب با زهم بیشتر روستاهای اطراف مهاجرت را داشتند در تاریخ سیزدهم آذر به روستای "لاچین" حرکت کردند که با مقاومت مسلحانه و یکپارچه مردم و پیشمرگان روستا در مقابل روستائیان و پیشمرگان روستای ایندر قاش، روستائیان میخواستند که مقاومت یکپارچه و همکاری همه آنها با پیشمرگان مانع تعرض گسترده سرکوبگران خلق گردد خواه شد.

در روزهای پنجم و ششم آذر توسط فانتومها و هلی کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی، دهات اطراف اشنوویه شدیداً مورد حمله قرار گرفت که تعداد زیادی مردم بی دفاع شهید شدند و تعداد زیادی خانه های زحمتکشان خراب شد. همچنین روستای "پی گدله" بکلی ویران شد. در این رابطه هزاران سازمان در اشنوویه با ترتیب دادن نمایشگاههای عکس و برقراری سخنرانی های مختلف، ایستادگی را برای مردم افشا کردند.

پانزده تن از قاچاقچیان شهر بوکان بوسلیه پیشمرگان کومله و با همکاری مردم دستگیر شدند. از این عدد یک کیلو بقیه در صفحه ۸

برای اشتراک



Kar Committee  
P.O. Box 6029  
Arl. Va. 22206

دوستان و همواران می توانستند کمکهای مالی خود را از طریق "کینه کار" یا "کد" به سازمان ارسال نمایند. مقدار کمکهای مالی و "کد" مربوطه در نشنن کمکهای مالی چاپ خواهد گردید. فرم اشتراک فوق توسط سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا همواره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به شماره "کار" اضافه گردیده است.

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

ونیم هروئین و مقدار سلاح کمتری به دست آمده است. این اقدام انقلابی رفقای کومله مورد پشتیبانی مردم قرار گرفت. ۵۹/۹/۱۲

## همکاری قیاده موقت ارتجاعی با پاسداران

در تاریخ چهارم آذر پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران به مقر سپاه پاسداران در اطراف اشنویه حمله کرده و در این حمله دو نفر از افراد قیاده که با پاسداران همکاری میکردند کشته و بیش از هجده نفر از آنها زخمی شدند. در این حمله توسط پیشمرگان قهرمان، مقدار قابل توجهی سلاح بدست آمد. دوروز بعد از این درگیری افراد سپاه پاسداران با همراهی قیاده موقتی های ارتجاعی، به دره الیا و شیخان حمله کرده و سه نفر از اهالی بی دفاع مزبور را شهید کردند.

## شهادت سه روستائی

سه نفر از روستائیان زحمتکش روستای برده زرد از توابع بوکان که برای تهیه ارزاق مورد نیاز عازم سقز بودند مورد یورش پاسداران و ارتش ضد خلقی قرار گرفتند و بدون دفاع شهید شدند.

مراسمی در تاریخ هجدهم آذر در این روستا برگزار شد. در این مراسم پیام دفتربوکان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که بوسیله نمایندگان دفتر که به روستا اعزام شده بودند قرائت شد. در این پیام سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی افشا و با خانواده شهدا اظهار همدردی میشود.

## بوکان - روستای حمامیان

دو نفر از تنگچی های ارباب ده - حمامیان بنام (معروف ایلخان زاده) برای جلوگیری از استفاده از درختهای

زمینهای این ارباب که روستائیان آنها را مصادره کرده اند، میخواستند در مقابل مردم بایستند که روستائیان هردو را خلع سلاح کردند و در حال حاضر از اسلحه آنها برای نگهبانی و محافظت روستا در شب استفاده میکنند. ضمناً روستائیان هردو آنها را آزاد کردند.

## سخنرانی در روستاها

در تاریخ ۵۹/۹/۲۰ یکی از رفقای فدائی در روستای احمدآباد از توابع بوکان طی یک سخنرانی که مورد توجه و استقبال مردم قرار گرفت مواضع سازمان را تشریح نمود. در این سخنرانی موضع سازمان

## خبرهایی از جنبش

### مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۷

## گرامی باد یاد

### شهدای جنبش خلق کرد

رفیق "مختار" پیشمرگه فدائی، عضو تشکیلات پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در درگیری که روز هجدهم آذر در روستای بهرام آباد مریوان رخ داد شهید شد. این درگیری بین پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سپاه مزدور رژیم بر سر خلع سلاح این مزدوران صورت گرفت. یادش گرامی باد

پیرامون حاکمیت، جنگ ایران و عراق مساله انشعاب، جنبش مقاومت و... ماهیت خائنه جریانات بختیار بیسم و رادیوهای وابسته بدان، مساله فرهنگ و مدارس، مساله زن صحبت شد. ضمناً پس از سخنرانی جوانان روستائی آموزش سلاح دیدند. این سخنرانی ها در چند روستای دیگر نیز انجام گرفته است.

## راهپیمائی دانش آموزان سقز

دانش آموزان انقلابی سقزی یک راهپیمائی اعتراضی که روزیازدهم آذر برگزار شد، نفرت و انزجار خود را از جمهوری اسلامی و سرکوبگران خلق کرد ابراز داشتند. این راهپیمائی که از محل آموزش و پرورش تا میدان "هدلو" برگزار شد، حدود هشتصد نفر دانش آموز را در خود جمع کرده بود. بیشتر آنها دانش آموزان دختر بودند. در این راهپیمائی که مورد هجوم جاش های مزدور پاسداران سر-مایه قرار گرفت تعداد سه دانش آموز زخمی و حدود صد نفر دستگیر شدند. این دستگیریها مورد اعتراض مردم قرار گرفت و روز پنجشنبه سیزدهم آذر خانواده ها و بستگان زندانیان در جلو محل سپاه پاسداران تجمع کرده و خواهان آزادی دانش آموزان شدند. در این موقع ارتجاعیون وابسته به رژیم یک نارنجک

بمیان مردم پرتاب کرده که منجر به شهادت دو نفر و مجروح شدن دو نفر دیگر گردید. پاسداران از وحشت اعتراض گسترده مردم، تمام دانش آموزان زندانی را آزاد کردند. پاسداران ضمن بازجویی از دانش آموزان از آنها میپرسیدند که چرا هرگاه که شبها یک پیشمرگ وارد شهر

میشود مردم همه خوشحالند و با ما این قدر نا مهربان عمل میکنند و کینه می ورزند؟  
بیشتر دانش آموزان انقلابی باین سوال اینطور پاسخ میدادند که این عملکرد شماست که مردم را از شما متنفر میکند زیرا پیشمرگان برای ما صلح و آزادی می آورند و شما توپ و خمپاره. لازم به تذکر است که هواداران "کمیته مرکزی" و حزب توده و کنگره چهارم در یک طومار با صدو چهل امضا خواسته اند مبارزات دانش آموزان را تنها به خواسته های صنفی محدود کنند و فقط خواهان بازگشائی مدارس هستند. اما حرکت انقلابی دانش آموزان سقز این سیاستها را هر چه بیشتر افشا میکند.

## رژیم جمهوری اسلامی

### باز هم جنایت آفرید

رژیم جمهوری اسلامی با زهم جنایت آفرید روز ۱۲/۸/۵۹ ساعت ۷/۵ صبح ارتش و پاسداران ضد خلقی همراه با بسیج مستضعفین و همکاری ارتجاعیون محلی دهکسده صوفیان را محاصره کردند و حمله و وحشیانه ای به روستائیان نمودند در این درگیری سرکوبگران خلق کرد با تانک، توپ و... و تعداد زیادی پاسدار و ارتشی شرکت داشته و سیزده نفر را شهید و بیست و یک نفر را مجروح نمودند. اسامی شهدا طبق اطلاعیه هواداران سازمان در اشنویه بقرار زیر است:

- ۱- ما مومنا ملاحسین هاشمی شصت ساله که مورد اعدا دت ما ها لی منطقه بود و او را یک روحانی مبارز میشناختند
- ۲- سید حسن فرزند سید رحیم سی ساله شغل کشا و رزمنا صاحب زن و چهار فرزند
- ۳- عبدالرحمن افرا سیایی ۵۵ ساله شغل دار. فرزند بزرگش سی ساله که خود در همدین جنگ علیه سرکوبگران خلق کرد شرکت کرده بود.
- ۴- ابوبکر قاضی زاده سی ساله صاحب زن و دو فرزند که سرپرستی خانواده را برعهده داشت و تمام رنج زندگی بدوش او بود.
- ۵- حسن کوردشمسی ۴۵ ساله، خوش نشین
- ۶- سید طه توحیدی ۲۵ ساله که مدت ۴ سال معلم روستا بود.
- ۷- سید زلیخا توحیدی خواهر سید طه ۴۵ ساله، این زن بخاطر اینکه برادرش کشته نشود او را در آغوش گرفت ولی پاسداران سرما به خواهر او را در آغوش هم با رگبار گلوله ۳۰ بشهات رساندند. نام برده قبلاً شوهر خود را از دست داده و دو فرزند داشت.
- ۸- حاجی حسین خضرپور معروف به حاجی مراد، هفتاد ساله، کشا و رزمنا صاحب همسر و یازده فرزند.
- ۹- شیخ محمد خضرپور فرزند حاجی

# سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



رژیم جمهوری اسلامی

خانه‌های "خارج از محدوده" تبریز را خراب میکند!

آلونک نشین های حاشیه شهر تبریز روز بیست و هفتم آذر مورد حمله و یورش پاسداران جمهوری اسلامی و نمایندگان شهرداری و بنیاد مسکن قرار گرفتند و آلونک ها ایشان با بولدوزر بر سرشان خراب شد. ماجرا عینا مثل جریان خارج از محدوده است که در زمان شاه منفسور رخ داد و سرآغاز جنبش توده های عظیمی شد که سرانجام سلطنت را به زباله دانی تاریخ سپرد.

حاشیه نشینان تبریز، در دامنه کوهها و تپه های شمالی تبریز که به کوههای عینال و زینال مشهورند، در میان تپه های کوچک و بزرگ آلونکهای محقری بر پا کرده اند. ساکنین این آلونکها عموماً از بی چیزترین و فقیرترین مردم تبریز هستند که برای امرار معاش خود به کارهای نظیر قالیبافی و فعلگی و دست فروشی اشتغال دارند.

زمینهای این منطقه متعلق به زمینخوار جمهوری بنام "تولکوچی" است که آنرا متری چهل تومان به شخصی بنام "قجرچی" فروخته بود، بر سر این معامله بین دو زمینخوار اختلاف بروز میکند و کار به شکایت میرسد و دولت جمهوری اسلامی هم که همیشه حامی منافع زمینداران و سرمایه داران بوده است راه حل اختلاف بین این دو را در تخریب خانه های زحمتکشانی می بیند تا شاید بتواند زمینها را به صاحبان شرعی! و قانونی! آن در جمهوری اسلامی برگرداند.

بیرمردی از ساکنین زحمتکش این منطقه "خارج از محدوده" تبریز در حالی که با دستمال کهنه خود، اشک چشمش راپاک میکرد میگفت "تنها نان آورما پسر م بود که الان در جبهه جنگ مشغول است، غافل

به دستور بنی صدر...

بقیه از صفحه ۱۶

ها بیش نسبت به سیاستهای سرکوبگرانه و خشونت با رجناح طرفدار حزب جمهوری اسلامی، خود را فردی آزاد دیخواه و طرفدار مردم جا بزند، (تا بتدریج جناح رقیب را کناره رزده و مشخصاً "قدرت حکومتی را در دست بگیرد) و برآستی که در این وانفسا توانسته است با تبلیغات عوامفریبانه اش توده های وسیعی از مردم نا آگاه را (همراه با سرمایه داران آگاهی که کاملاً به منافع طبقاتی خویش واقفند و بدرستی از بنی صدر حمایت می کنند) فریب داده و به طرفداری از خویش بکشانند. ما تا کنون بارها و بارها ما هیئت لیبرالی تفکر بنی صدر را در رابطه با سیاستها و اقدامات گوناگونش (از قبیل سرکوب خلقها، حفظ سیستم اقتصادی سرمایه داری وابسته، احیاء ارگانهای ضد خلقی رژیم شاه) افشاء کرده و گفته ایم که بنی صدر با اندک تفاق و تهاشی سیاست ها و راه بازرگان را در پیش گرفته و از لحاظ طبقاتی بورژوازی لیبرال

از اینکه دولتی که بخاطرش داردمی جنگد چه بلائی سر ما می آورد و چطور خانه مان را بر سرمان خراب میکند زنی با بغض و فربا دمیکفت "حالا از زمان شاه هم بدبخت تر شده ایم، به هر دری زده ایم، پیش مدنی امام جمعه رفتیم، پیش استانداری رفتیم، بنیاد مسکن دادگستری رفتیم به حرفمان گوش نکردند، مردهای ما کاروکاسبی شان را اول کرده اند و رفتند اندنبال این قضیه. ما میدانیم که باعث اینکارها بنیاد مسکن و دولت است که همه اش بفکر پولدارها و زمیندارهاست. تولکوچی تو بنیاد مسکن دست دارد، میخواهد این زمینها را دوباره به جنگ بیاورد". مرد جوانی از بنی زحمتکشانی میگفت "چند وقت پیش هم پاسبانها با یک مهندس آمدند که اینجا را خراب کنند نگذاشتیم، بی انصاف ها مردم را مثل آب خوردن به گلوله می بندند، میترسیم سر این خانه ها، این بی مروت ها خون ما را بر زمین بریزند!"

این زحمتکشانی وقتی با تخریب آلونک ها ایشان رو برو شدند همگی دست به مقاومت و دفاع زده و سرانجام توانستند از خراب شدن خانه هایشان جلوگیری کنند، البته تعداد زیادی از خانه هادر همان اول ماجرا، بر سر ساکنینش خراب شد. زحمتکشانی اکنون بخوبی درمی یابند که دلیل جمهوری اسلامی برای خراب کردن خانه های این توده های محروم و بی چیز همان دلیل پوسیده رژیم شاه یعنی "خارج از محدوده بودن" است اما علت واقعی آن را با دید در حجابت بی چون و چرای رژیم جمهوری اسلامی از سرمایه داران، ملاکین و زمینداران و زمینخواران جستجو کرد.

ایران را تنها یندگی می کند و اختلافات با جناح رقیب عمدتاً بر سر کسب قدرت بیشتر در حاکمیت می باشد و تاکنون نشان داده است که در سرکوب و کشتار خلق همواره با جناح رقیب شریک بوده و جمیع جنایات آن را تأیید کرده است.

سندی را که ملاحظه می کنید با وضوح بیشتری ما هیئت آزاد دیخواهی و مردم دوستی آقای رئیس جمهور را نشان میدهد و همینطور آشکار می سازد که چرا آنها که تا دیروز طرفدار پروپا قرص بختیای رومدنی بوده اند امروز به هوا داری از بنی صدر برخاسته و همه جا برای رئیس جمهور آرزوی موفقیت و پیروزی "می نمایند!"

بدرستی در شرایطی که میلیونها کارگر و زحمتکش شرافتمند بیکار و فاقد هرگونه درآمدی هستند، در شرایطی که میلیونها آواره جنگ از کوچکترین امکانات رفاهی بی بهره اند، در شرایطی که هزاران هزار زحمتکش زیر فشار قحطی و گرانی در گرسنگی و فلاکت بسر می برند چرا ساواکیها و عمال رژیم شاه بدستور بنی صدر استخدا م میشوند و با بت "حقوق و مزایای آنها" میلیونها ریال بودجه پرداخت می شود؟!

نامه یک رفیق دانش آموز

من یک دانش آموز دبستان نازی آباد دهستم که در کلاس سوم نازی آباد درس می خوانم پدرم کارگزار است که ۵ ماه است بی کار هست من کتابهای صمد را می خوانم و یکی از یکی از رفیقهایم برایم بیاورد من ۲ برادر و ۲ خواهر دارم حالا ما درم کار می کنند زندگی ما خیلی سخت است این دولت چرا به پدرم کار نمی دهد همیشه حرف می زنده لسی اعمال نمی کند ما برای کتاب و دفترچه با پدرم همیشه گریه کنم تا برای ما دفتر بخرد پول پیش - آخوندها است در خانه و نان شیرین می خورد ولی ما نماندیم بخوریم چونکه ما پول نداریم این را در روز نامه که راجع کشتن رفیق من بدانند که چرا بچه ها پول ندارند دیدرشان بی کار است. درود بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

من یک دانش آموز دبستان نازی آباد دهستم که در کلاس سوم نازی آباد درس می خوانم پدرم کارگزار است که ۵ ماه است بی کار هست من کتابهای صمد را می خوانم و یکی از یکی از رفیقهایم برایم بیاورد من ۲ برادر و ۲ خواهر دارم حالا ما درم کار می کنند زندگی ما خیلی سخت است این دولت چرا به پدرم کار نمی دهد همیشه حرف می زنده لسی اعمال نمی کند ما برای کتاب و دفترچه با پدرم همیشه گریه کنم تا برای ما دفتر بخرد پول پیش - آخوندها است در خانه و نان شیرین می خورد ولی ما نماندیم بخوریم چونکه ما پول نداریم این را در روز نامه که راجع کشتن رفیق من بدانند که چرا بچه ها پول ندارند دیدرشان بی کار است. درود بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



رفیق عزیز: در نامهات بدرستی به ما هیئت دولت اشاره کرده ای و اینکه این دولت نمیتواند و نمیخواهد به نفع زحمتکشانی و منجمله بیکارانی ما نندیدرتوکاری کند ولی تو همه تقصیرها را به گردن آخوندها انداخته ای، این برخوردتو اشتباه است زیرا آنچه مهم است منافع طبقاتی افراد است نه لباس (عباد و عماله آنها) بلکه ما هم قبول داریم که بسیاری از همین آخوندها از منافع سرمایه داران دفاع کرده و از کرده زحمتکشانی زندگی می کنند ولی در بین آخوندها اقشار مختلف را میتوانی مشا هده کنی مثلاً طلبه ها که خود را فدای زحمتکشانی هستند و بیشتر از روستائیان و زحمتکشانی جامعه هستند، بنا بر این می بینی که آخوندها یک دست نیستند آنچه مهم است این است که ببینی این روحانی (آخوند) عملاً از منافع چه طبقه ای در جامعه دفاع می کند.





بقیه از صفحه ۱

کردن حریف، بهانه‌ای پیدا کند و خود را موجه جلوه دهد و اکنون که بحران اقتصادی ابعاد فاجعه آمیزی به خود گرفته و می‌رود تا بساط حکومت آقایان را مورد تهدید قرار دهد، هریک می‌کوشد تقصیرها را به گردن دیگری بیندازد تا خود را از آسیب خشم انقلابی توده‌ها برکنار نگاهدارد.

رئیس جمهور بنی صدر در گزارش اقتصادی روز ۲۵ آذر در مورد بحران اقتصادی دست‌پیش‌راگرفته تا پس نیفتد. اما بنا به عادت همیشگی که برای هریک از این‌ها یک رشته دلیل کوچک و بزرگ و غالباً فرعی و انحرافی ردیف می‌کند، بحران فراگیر اقتصادی کنونی را با ۲۰ مشخصه بررسی می‌کند (و بر خلاف همیشه که منبأب خالی نبودن عریضه از وابستگی سخن می‌گفت، این بار ظاهراً تحت فشار جنگ، وابستگی را از یاد بردا)

بنی صدر عادت دارد خودش را اهل علم و تحقیق و ناطق ایرانی معرفی کند. اما همین گزارش - که از لحاظ کلی بسیار افشاء کننده است - بخوبی نشان می‌دهد که "استاد" چه در چینه دارد. مثلاً لابد برای از میدان راندن حریف نیست که شاخص‌های اقتصاد کشور در سال ۵۸ را با سال ۵۷ مقایسه می‌کند و فراموش می‌کند که در سال ۵۷ بخصوص در نیمه دوم، چرخ تولید از کار افتاده بود (ظواهر ایشان در مهاجرت بودند و توجه به این قضایا نداشتند) و افزایش تولید ۵۸ نسبت به ۵۷ شاخصی بهبود وضع اقتصاد نمی‌تواند باشد، و یا چندبار تحت عناوین مختلف از فقدان کالاها در شرکتها و واردات صحبت می‌کند. بدین گونه معلوم می‌شود خود بنی صدر از تخصص مورد نظر چه بهره‌ای دارد.

نکته بسیار مهم در مجموع گزارش شهزور این است که بنی صدر می‌خواهد و نمود کند که این اوضاع پریشان ارتباطی با وجود خودش و نظریه‌ها و توصیه‌ها و عملکردها پیش در حکومت اسلامی ندارد، و رندانه از یاد خواننده می‌برد که خودش به عنوان متخصص (اجتماع و اقتصاد در سمت مشاور اقتصاد) آیت‌الله خمینی، عضویت در شورای انقلاب وزارت اقتصاد و دارای و غیره چه نقشی در پیدایش این اوضاع عداشته است. او به روی خودش نمی‌آورد که مهمترین مناصب مربوط به اقتصاد و تجارت در اختیار کارشناسان منصوب او و یا نظایر او بوده است و سهم او در پیدایش این بحران شدیداً گریب‌تر از سایرین نباشد، چندان کمتر نیست. اما با صرفه و صلاح جور در نمی‌آید که جای پای خودش را نشان دهد.

از این نکات گذشته در گزارش بنی صدر مطالبی هست که صحت نظریات ما را که در صفحات روزنامه و نبرد خلق بیان کرده‌ایم، تأیید می‌کند. از جمله در این گزارش به صراحت معلوم می‌شود که علت اصلی ضرورت ملی‌کردن بانکها، ورشکستگی آنها بود ولی قرار بر این شد که اعلام ورشکستگی نشود، بلکه از

## بنی صدر دست پیش‌راگرفته تا پس نیفتد

طریق ادغام و تقویت بانکها (یعنی به اصطلاح با "ملی‌کردن" آنها) نفع‌ها، ضررها را بی‌پوشانند... که... هم به سوی اسلامی کردن اقتصاد پیش برویم (؟) و هم ضعف شدید نظام بانکی را از بین ببریم. می‌دانیم که مقصود از "اسلامی کردن" بانکها عبارت شد از پانزده آورتن نرخ بهره برای به گردش درآوردن چرخ اقتصاد. و در واقع هدف اصلی روغن‌کاری چرخ و اما مانده نظام سرمایه‌داری وابسته بود. می‌دانیم که بنی صدر یکی از مبتکرین اصلی طرح ملی‌کردن بانکها بود و اعتراف او در باره علت اصلی ملی‌کردن‌ها را با یک حجت دانست. از این بابت برای طرفداران جناح مترقی حکومت متأسفیم که بیاد نمی‌آورند که با زرگان اعلام‌کننده خوشحال این اقدام بود و بنی صدر لیبیرال مبتکر آن. و گویا معلوم باشد که این اقدام ارتباطی با نیازهای زحمتکشان انقلابی نداشته و ندارد و از طرف جناح رادیکال (!) هم صورت نگرفته و مقصود از عمل هم روشن شده است.

در جایی دیگر بنی صدر نکته دیگری را بیان می‌کند که مویده نظریات ما در مورد بی‌اعتمادی پس‌اندا زکنندگان به بانکهای کشور است. او برخلاف دیگران پرده‌پوشی را کنار می‌زند و می‌گوید این "بی‌اعتمادی" به جوی مربوط می‌شود که مردم ترجیح می‌دهند پولشان نزد بانک نباشد... معلوم می‌شود که صحت از کمبود اسکناس دروغی است که از آستین متدینین درآمده. البته اینان ادعا می‌کنند که بانک مرکزی که رئیس آن منصوب بنی صدر است پیش‌بینی کمبود اسکناس را نکرده ولی نمی‌گویند چرا همین مقدار اسکناس شش ماه پیش کفایت می‌کرد و چرا با زرگان سرمایه‌داران و حتی زحمتکشان هم به علت "جو موجود" حاضر به عملیات اعتباری و معامله با چک و سفته نیستند.

در مورد ملی‌کردن تجارت خارجی ما طی شرحی مفصل توضیح دادیم که این تلاشی است از طرف بورژوازی "مال‌اندیش" برای به جریان انداختن سرمایه‌تجاری در بخش تولید (و پیش‌بینی کردیم که با یک منتظر مقامت تجار بود و چنین نیز شد) و از این بابت منت هم ابواب جمعی مردم زحمتکش کرده‌اند. و بنی صدر در گزارش خود یادآور می‌شود که با زاری‌ها با این عمل مخالف هستند.

اما نکات مورد اتفاق نظری بنی صدر لیبیرال و "رادیکال‌ها" کم نیست. فی‌المثل بنا به توضیح بنی صدر، علت خرابی وضع کشاورزی وجود "ابهامات و تناقضات" و "عدم حکومت قانون" است. روشن است که بحث بر سر بند "ج" کذائی در قانون اصلاحات ارضی است. و لابد طرفدار "جناح مترقی" حکومت هم متوجه شده‌اند که همین جناح (در واقع حزب جمهوری اسلامی) راه را بر تقسیم اراضی مالکان بزرگ گرفت و به این ترتیب "ابهام و تناقض" میان اقشار بورژوازی میان رفت و جلوی تجاویزات غیرشرعی دهقانان زحمتکش گرفته شد: به پیشقدمی و ارشادات جناح مترقی حکومت!

برای "امنیت قضائی" سرمایه‌داران هم باید فکری کرد به قول بنی صدر "برای اشخاص حقیقی و حقوقی" یا بدشرایطی پدید آورده که بتوانند با خیال راحت و بدون دغدغه مزاحمت کارگران به "فعالیت اقتصادی"، یعنی انباشتن سرمایه سپردا زند. در این باره نیز میان سران حکومت اختلاف نظری وجود ندارد (فی‌المثل توجه کنید به سخنان نخست‌وزیر با خبرنگار آلمانی روزنامه وست دوویچه آلمانیه سا تیونگ)

بسیاری از مسئولان مملکتی و بعضی چپ‌ها سعی می‌کنند سبب اصلی گرانی را تجار بزرگ معرفی کنند، در این که اینان نقش مهم دارند تردید نیست. اما بنی صدر مسئولیت اصلی "کمبود واردات" را متوجه مسئولین دولتی می‌داند، البته نه از این بابت که برای رفع وابستگی و کاهش واردات - چاره‌ای نیاندیشیده‌اند، بلکه از این لحاظ که پیش از بروز کمبود به فکر سفارش‌کارانیافتاده‌اند. و پاسخی مسئولان ریزودرشت حکومتی روشن است: در فکر هستیم و غصه نخورید، داریم به واردات سروسامان می‌دهیم. هیچکدام از آقایان حکومتگرا جمله همین بنی صدر که زمانی ۵۰-۴۰ نوع وابستگی را بر می‌شمرد. توضیح نمی‌دهد که چرا برای رفع وابستگی و ایجاد استقلال چاره‌ای نکرده‌است (پیدا است که اینان چاره‌ای نمی‌شناسند و فقط باید با دلیل و برهان ثابت کنند که چاره‌ای جز وابستگی نیست، کما این که عملاً این را ثابت کرده‌اند). می‌بینیم که در مورد ضرورت واردات "همه سران حکومت هم عقیده‌اند و بحث فقط بر سر این است که چه کسی در تنظیم سفارش‌سرای واردات تعلل کرده‌است. (رجوع کنید به جوابیه سازمان بسیج اقتصادی به گزارش بنی صدر، اطلاعات ۴ دیماه) بنی صدر در گزارش خود مانند بنی صدر مسئولان مسلمان "کشور فقط آن قسمت از واقعیات را نشان می‌دهد که خشم توده‌ها را تحریک نکند. از این روست که خطر بزرگ قحطی گندم‌ونان را که با توجه به وضع کنونی ناگزیر به نظر می‌رسد، با اهمال برگزار می‌کند و فقط

بقیه در صفحه ۱۴

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

## تختی پهلوان مردم بود

بقیه از صفحه ۱۶  
وقریه های مینهن سردر آورد. ایران یکپارچه خربود. تمام دلها، خیر، تمام لبها، خیر، قدمها و دستها، نگاه ها و اشاره ها، حتی دیوارها خربودند: "تختی راکشتند." "تختی راکشتند." هیچکس درخانه قرار نداشت. تمام درها باز شد. تمام پنجره ها باز شد. مردم به کوچه ها و خیابان ها ریختند و بچه ها درهم پیچید و اوج گرفت. شهر از فریاد پر شد: "تختی را کشتند." "تختی راکشتند."

راستی تختی که بود که خلقی چنین در سوگش درهم می پیچید و آتش جنبش و آره ای زودگذر را در شبخونناک دیکتا توری دامن میزد؟ تختی که بود که در زمستانی سرد آتشی چنین سوزان و لولوله افکن در خانه ها و زاغه ها بر افروخت؟ آتشی که زیر خاکستر را برانگیخت. آتشی که پنهان را از دلها به لب ها کشید و در فریادها شعله ور کرد؟ تختی که بود؟

قهرمانی از میان مردم، پهلوانی ساده، فروتن و مهربان. پهلوانی که در صدایش طنین جنبش ملی ایران هنوز می لرزید. پهلوانی نجیب که تمام سنت های مردمی تاریخ پهلوانی ایران عطر عا طفه های پیش بود. پهلوانی با نگاهی سرشار از اعتماد و دوستی سرشار از مهر. پهلوانی با پیکری پولادین که از قلب شاهنامه برخاسته بود تا حضورش تا دوام مقامی تاریخی در برابر کا ووس زمان باشد.

تختی فرزندان زحمتکشان بود. در محله های جنوبی پرورش یافت و پولاد عضله های در کوره های رنگ زحمتکشان آبدیده شد. تختی در میان مردم چنان آرام و فروتن قد بر آورد و برگ و بار گرفت و تنومند شد که حضورش برای مردم مثل هوا طبیعی بود چنان که گوئی همیشه بوده است. برای مردم، تختی، پهلوان، و پهلوان تختی بود. پهلوانی که با جوانی که به خودی خود پنداشته می شد پدر بزرگ ها و پدران - پدر بزرگ ها نیز او را می شناخته اند. تختی پهلوان تمام دوران ها بود. چنانکه مردم تاریخ تمام دوران ها هستند.

تختی راکشتند اما تختی با قامت سترگ از دروازه خونین شهادت گذشت دروازه ای درست به قالب پیکرتنو مندش. بگونه ای که نه شانه هایش بر کناره های دروازه سائید و نه سرش ذره ای خم گرفت. دروازه خونین لحظه ای از پیکر پهلوانیش پر شد و روشن ماند و تختی با فواره خونی که از گردن بر افراشته اش قدمی کشید و نجیب و استوار بر پهنه آینه ایستا دو زمان سوت کشید و دور تاریخ دستش را به نشانه پیروزی بالا گرفت. تختی در برابر مردم افتاده و

فروتن و در برابر دشمنان مردم سرکش و مغرور بود. تختی حتی به رسم بردست کا ووس زمان لب نسود و آنجا که ناگزیر مردم خواهی پیوسته و پرشورش را - تاوانی اندک می پرداخت و به رسم، دست در دست شاه می نهاد و به تعظیمی مرسوم خم به قامت می داد، خمیده و ناخمیده چون فنرمی جهید و استوار می ایستاد و دستش چون پتگی که بر - سندان فرو آمده باشد بر می جست و گره می خورد و در برش فرو می آمد. تختی چنین بود.

تختی جهان پهلوان بود. پیروزی جهانی تختی توده های ستم دیده ایرانی را به شور و هیجان کشید. محبوبیت تختی در میان توده های زحمتکش مینهن ریشه ای چنان گسترده و عمیق یافت که رژیم رابه هراس افکند. محبوبیت تختی حاکمیت

تختی را در برابر حاکمیت زور و زور خویش می سنجید و آن بیم داشت. تختی ستاینده راستین مبارزات ضد استبدادی - ضد امپریالیستی مردم مبارز مینهن بود. و از مصدق و مبارزات ضد امپریالیستی اش با حرمت و تحسین یاد می کرد. پاسداشتی که در عرصه مبارزات آغاز دهه چهارم - روشنی باز شناخته شد و از تختی در برابر رژیم چهره ای پهلوانی - سیاسی پرداخت و رژیم نمی توانست از محبوبیت پهلوانی سیاسی درگذرد. تختی با مردم و در میان مردم بود و بر آستی چه شکوه مند بود حرکت

مردم دوستانه اش در جریان زلزله بوئین زهرا " مردم که رژیم شاه را رژیم سرپا غارتگر و ضد مردمی می شناختند در چنین حوادث ناگوار می دانستند چگونه به یاری هم - مینهان مصیبت زده خویش بشتابند. مردم به نهادهای کمک رسانی رژیم هیچ اعتمادی نداشتند، مردم شیرو خورشید را بنگاه تبلیغاتی و چاپاول می دانستند. مردم دیده بودند که چگونه بسته های کمک آذوقه - هایشان سر از جیره های تجار در می آورد! مردم دیده بودند چگونه بنگاه های امدادشاهی کمک های نقدی مردم را می بلعند و در چنین موقعیتی تختی در جریان زلزله بوئین زهرا در خیابان ها به حرکت درآمد تا کمک های مردم را بگیرد و به زلزله زدگان برساند و مردم از پنجره ها بر سرش پول می ریختند و عا ب - بران پول ها را دسته می کردند و به پهلوان می سپردند. تختی چنین بود.

اما فروکشیدن و فروکشستن شعله ای تابناک برای رژیم که یکی از ارکان ستمش مردمی داری مصلحتی و قهرمان نوازی خودنمایانه است چندان ساده نیست. پس باید از دری دیگر در آمد و حیل های دیگر به کار کرد و بدینگونه بود که رژیم با دانه سکه و مقام به سراغ تختی رفت تا مگر او را به دام افکند و رام خود کند!!

تا مگر تختی، این چشم و چراغ مردم را همچون شاهینی شکاری بر سر پنجه شاه بنشانند و از " سی مره " زوی مردم مرفکی دستا موز بسازند! و شاه که گله ای از شاعران، داستان پردازان - زنان، نقاشان، سینماگران - تئاتر سازان و رقصندگان و نوازندگان و پهلوانان، مشاطه گران و - صحنه آرایان جشنواره ای هنری و المپیائی اش بودند آزمون دانه چشم به خرید تختی دوخته بود تا به گمان خود با نمایش گریش تختی در پیشگاه پیشوا

ا کیم مردم را بشکنند! اما تختی چنان بی اعتنا در کرسی های ریاست تربیت بدنی و نمایندگی مجلس نگر - یست و چنان بی درنگ از آن گذشت که خورشیدی در کرم شبتاب بنگر دو عقابی از کنار خر مگسی طلائی بگذرد! و آننگاه رژیم زخم خورده و بر آشفته از غروری چنین مردمانه، جنگ و دندان تیز کرد و سیاست طرد و استیضاح و تهدید پیش گرفت تا ابتدا او را از عرصه های مینهنی و جهانی ورزش براند و از خاطر مردم ببرد و سپس به خونش کمر بندد. و تختی ناخواسته "واژه ای" شد و تختی مردم که زیر سلطه خفقان یکپارچه نفرت خاموش بودند و آتشمایای می - جستند مدام نام تختی را بر زبان می راندند چنان که گفتی با تکرار مداوم یک نام طناب دار رژیم را می بافند. رژیم از بازداشت تختی هراس داشت. بازداشت تختی بر آستی بازداشت قلب میلیون ها ایرانی بود و رژیم از پیامدهای آن می ترسید.

و اما شکوه مندترین خاطره تختی در ذهن مردم. حادثه ایست که در سال ۴۰ و چهار در سالن ورزش شمال پارک شهر گذشت. حادثه ای که چون آوار آتش بر سر شا هپور غلامرضای جنایتکار فرود آمد: ده ها هزار نفر در سالن و پشت درهای بسته سالن گرد آمده بودند تا از نزدیک مسابقات کشتی جهانی را ببینند. وقتی شا هپور!! از در پشتی "آمدوباکتیکه" شاهی!! در جایگاه ویژه ایستاد، سالن از گفت و گو بازماند و کف زدن های پراکنده و تکه پاره مردم بیشتر به موسیقی طنز و تحقیر شبیه بود تا حتی به ریتم استقبال اجباری و خشک!! اما لحظه ای بعد که تختی از در عمومی آمد و در میان مردم ایستاد سالن چون دریائی از هلهله شوق و غریب شادی از جا کنده شد و صدای زنگدار کف زدن های مردم بیشتر به آهنگ انفجار و شکست خفقان شبیه بود تا تنها به موسیقی ستایش از پهلوانی شکست ناپذیر. آهنگ انفجار شورانگیز مردم ثانیه ها و دقیقه ها را به آتش کشید و در دقیقه دهم چون صاعقه ای عظیم سالن را بلبلرز و در آورد و شا هپور را چون کرگدن صرعی از سالن گریزانند!! رژیم بر آن شد تا تختی، پهلوان مردم را از میان بردارد.

بقیه در صفحه ۱۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات  
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



## انقلاب کوبا و ...

واقعی انقلاب و ساختمان سوسیالیسم را آغاز کردند. اکنون به برخی از تجربیات انقلاب کوبا و دستاوردهای درخشان آن و مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان کوبا می‌پردازیم: یکی از عواملی که در پیشبرد امر انقلاب در کوبا نقش اساسی داشت انحلال ارتش مزدور با تیستا بلافاصله پس از انقلاب و تشکیل ارتش توده‌ای بود.

خلق مسلحی که رژیم با تیستا را سرنگون کرده بود. ارتش با تیستا را نیز که برای زستمگیری سرمایه‌داران و زمینداران وابسته بر علیه خلق بود منحل کرد. جای آنرا ارتش خلقی گرفت که تنها برای دفاع از انقلاب و سرکوب دشمنان خلق بود و مزدوران و فرماندهان ارتش و سرسپردگان رژیم با تیستا به محاکمه کشیده شدند. عملکرد این‌جا کمیت انقلابی درست نقطه مقابل عملکرد حاکمیت در ایران است. در ایران، بلافاصله پس از انقلاب ۲۲ - بهمن و سرنگونی رژیم شاه، ارتش ضد خلقی با زسازی و ترمیم شد فرماندهان مزدور اکثر باکرا فرخوانده شدند و تنها چند عنصر شناخته شده تحت فشار مبارزات توده‌ها محاکمه و اعدام گردیدند و همین ارتش بر علیه خلق ایران طرح کودتا ریخت و عناصری که نقش اساسی در کودتا داشتند دستگیر شدند اما به بهانه جنگ ایران و عراق از زندانها آزاد پوست - های قبلی خود فرخوانده شدند، سپاه پاسدارانی که پس از قیام تشکیل شد بتدریج به زانده ارتش و به سرکوبگر خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن و عرب و ... بدل شد.

در کوبا یا انقلابی و وابستگی - امپریالیسم پدیدهای خارجی شلقی نمی‌شد. توده‌های زحمتکش کوبا بدرستی پایگاه امپریالیسم را که همانا سرمایه‌داران و زمینداران کوبا بودند بدرستی شناخته و به رهبری حکومت انقلابی، پیگیرانه مبارزه ضد امپریالیستی را به پیش بردند بدین طریق که در بخش صنایع، سیستم مونتاز را در هم شکستند و صنایع بنیادی و اساسی را پی‌ریزی کردند و سرمایه‌داران - وابسته و صاحبان صنایع بزرگ از جمله برق و تلفن که در دست شرکتها یا مریکائی بود بطور کلی خلع ید شد و در زمین کشاورزی اصلاحات ارضی صورت گرفت زمینهای بزرگ که متعلق به زمینداران امریکائی و وابستگان داخلی آنها بود بلافاصله مصادره و به دهقانان زحمتکش واگذار گردید. سیستم کشت محصولی کوبا که شامل نیشکر بود به کشت متنوع و متناسب با نیاز توده‌ها تبدیل شد، کشت برنج و سایر محصولات زحمتکشان طبق برنامه و بر اساس برآورد دقیق از نیاز توده‌ها سازمان داده شد.

پس از پیروزی انقلاب کوبا اجاره مسکن بلافاصله پس از انقلاب برای تمامی خلق ۵۰٪ کاهش یافت و پس از مدتی نیز اجاره مسکن بعنوان قسط مسکن بحساب آمد و پس از چند سال تمامی خلق صاحب مسکن شدند در دهه اول پس از انقلاب بیگاری نه تنها از میان رفت بلکه کوبا با کمبود نیروی کار نیز مواجه شد.

پس از انقلاب کوبا تمام امکانات بهداشتی و درمانی در دست دولت بود و تمام نیروی انسانی پزشکی در استخدام دولت قرار گرفت و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و رفاهی کاملاً رایگان شد در مورد خدمات پزشکی و درمانی اولویت به مناطق محروم و روستاها اختصاص یافت بلافاصله در مناطقی که قبلاً امکانات درمانی نداشت. از ۲۳۶ مرکز بهداشتی و بیمارستانی که طی یک دهه پس از انقلاب ساخته شد ۵۰٪ آن در روستاها و نقاطی احداث شد که هیچگونه امکانات درمانی نداشتند.

همزمان با ایجاد مراکز درمانی و بهداشتی طرحی که تنها زحمتکشان کوبا را پزشکی و درمانی را در سراسر کوبا تعیین می‌کرد تهیه گردید و بر اساس آن تربیت کارها آغاز گردید و سعی شد تا دانشجویان پزشکی و پزشکان در برنامه ریزیها و اجرا و ارزشیابی مسائل آموزشی و خدماتی پزشکی شرکت داده شوند تا از این طریق بیشتر احساس مسئولیت نمایند و بدلیل خروج برخی پزشکان متعلق به طبقات مرفه و سرمایه‌داران از کوبا، ۳۰٪ ظرفیت دانشگاههای کوبا به دانشکده پزشکی اختصاص داده شد و در برآورد بعدی ۲۰٪ نیز بدان افزوده شد آموزش در همه سطوح و حتی دانشگاهی بطور رایگان بوده و در خدمت تمامی خلق است.

حکومت انقلابی کوبا به رهبری فیدل کاسترو در زمینه تعلیم و تربیت و مبارزه با بیسوادی قدمهای ارزنده‌ای برداشته است جنبش انقلابی سوادآموزی در کوبا تمام جهات را تکان داد. تهیه سوادآموزی صد و پنجاه هزار عینک برای شکوهمندان دانش آموزان، و معلمان و روشنفکران به دورترین روستاهای کشور، کلاسهای آزاد در مناطق روستائی، همه و همه چشم انداز درخشان را نوید می‌داد که امروز جهان شاهد شکوفائی آن است. این جریان فرهنگی در یک جامعه انقلابی و مقایسه آن با "انقلاب فرهنگی" در ایران که چیزی جز کشتار دانشجویان، سرکوب فرهنگی و سیاسی دانش آموزان و گسترش جزم اندیشی و تشدید سانسور و خفقان نبوده است واقعیت تکان دهنده‌ای را آشکار می‌کند.

کار در برنامهای آموزشی، در شیوه‌های آموزشی و در سازمان پیچیده مدارس جای گرفته است در مدارس ابتدائی، کودکان هفته‌ای شش ساعت که در سه روز تقسیم می‌شود در مزارع کار می‌کنند و در دوره سه

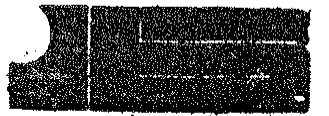
سال دوم ابتدائی ۱۰ ساعت در هفته در مزارعی که به مدرسه اختصاص دارد به فعالیت می‌پردازند. برنامه فعالیتها عبارتست از: آماده کردن زمین، بذر پاشی، کود دادن، آبیاری، مراقبت از بذر کشت شده تا هنگام برداشت محصول، کنترل و نظارت در برابر آفات احتمالی و دیگر خسارات و بلاخره جمع آوری محصول. درآمد از متوسطها به شاگردان شش هفته در هر سال تحصیل را در مراکز کشتا روزی می‌گذرانند نحوه استفاده از تراکتورها و میک و دیگر ماشینهای کشاورزی به نوجوانان آموزش داده می‌شود.

و در سالهای آخر مدرسه و همچنین در دوران دانشجویی فعالیت علمی کار تولیدی به شکل گوناگون صورت می‌گیرد دانش آموزان و دانشجویان فنی - صنعتی و کشاورزی آموزش دیده و با حضور در واحدهای کار به مدت شش هفته در سال و همچنین روزهای تعطیل، تئوری و با کار تولیدی تلفیق می‌نمایند.

همواره یکی از تاکتیکهای امپریالیسم برای حفظ سلطه و ادامه استعمار رخلقیهای تحت ستم تبلیغات مسموم کننده ضد کمونیستی و تبلیغ بر علیه انقلابیون کمونیست و بر علیه ایده‌های انقلابی می‌فاهیمی چون سوسیالیسم و کمونیسم است. در کوبا نیز چه قبل و چه بعد از انقلاب امپریالیسم امریکا تلاش می‌کرد تا با توسل به احساسات مذهبی توده‌ها، کمونیستها را دشمنان ایده‌های مذهبی مردم قلمداد نماید.

و تحت تاثیر همین تبلیغات بود که سوسیالیسم و کمونیسم را نه تنها به سیستم اقتصادی مبتنی بر رفع ستم و استثمار، که پدیده‌ای ضد مذهب تصور می‌کردند. پس از انقلاب کوبا از آنجا که رهبران انقلاب در جهت تحقق خواسته‌های توده‌ها گامهای جدی برداشتند تا طبیعت توده‌ها به انقلاب و اقدامات انقلابی (که بسود توده‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته بود) اعتقاد داشتند و بدین جهت امپریالیسم نتوانست از طریق تبلیغات ضد کمونیستی توده‌ها را بفریبد و سلطه خویش را مجدداً برقرار سازد از آنجا که کوبا تنها ما در ارتش نیشکر بود و اقتصاد کوبا نیز شدیداً وابسته به تولید و فروش نیشکر بود و امریکا نیشکر را به قیمت ارزان می‌خرید و حتی شکر مورد مصرف مردم کوبا را به قیمتی چند برابر به آنها می‌فروخت بعد از انقلاب کوبا، امریکا از خرید نیشکر سر باز زد. اما حکومت انقلابی کوبا به رهبری فیدل کاسترو هرگز از امریکا تقاضای رفع تحریم اقتصادی نکرد (دولت ایران یکی از شرایط آزادی گروگانها را با زکشت به شرایط قبل از تحریم اقتصادی قرار داده است) بعکس دولت کوبا از تحریم اقتصادی سودا انقلاب سود جست یا بصورت که تولیدات کشاورزی را بر مبنای احتیاجات توده‌ها سازمان داد. قبل از انقلاب تنها تولید کشتا و روزی بقیه در صفحه ۱۴

# رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



### "بنی صدر" دست پیش را...

بقیه از صفحه ۱۱  
از "کمبود گندم" آنهم در دو کلمه صحبت می‌کند. حقیقت این است که در پهنج استان گندم خیز کشور (گرگان، ترکمنستان، صحرای کرمانشاهان، کردستان، خوزستان، لرستان،) سطح زیر کشت به شدت پائین آمده. از این آئینده، وخیم، بنی صدر فقط دو کلمه یاد می‌کند: کمبود گندم! زیرا اصلاح نیست که توده‌ها در جریان کار باشند و حال کار آفرینان کاری بر نمی‌آید، برای چاره‌های بی‌مندی باشند.

خیر اندیشان "چپ" را به کارگران که مبارزان واقعی علیه امپریالیسم هستند و می‌دانند که مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با سرمایه‌داری و وابستگی همراه با آن جدا نشدنی دارد، توصیه می‌کند که در کنار تولید و قفای ایجاد کنید، بالابردن تولید به معنای پیشبرد انقلاب است. بنی صدر و مابندگان جناح مترقی حکومت هم همین را می‌گویند، اما به جای آن که کارگران و زحمتکشان پاسخی بدهند، به تکه‌ای از پاسخ ستاد به پیچ اقتصاد بنی صدر توجه کنیم که گویا بقا سخن را از یاد می‌برد و می‌گوید: آیا برای رفع بیکاری... می‌بایستی همه شرکت‌های شه ساخته وارداتی، ندماتی و آژانس‌های دلال و صنایع و نتاژ وابسته حفظ می‌شد؟ البته بی‌توان این لغزش قلم را بر نویسنده ان جوابیه بخشید، زیرا حکومتی که از جان‌نیش سخن می‌گوید، عملاً و لفظاً خواستار ادامه همان صنایع مونتاز، افزایش واردات و غیره است و این اظهار فقط برای "روکم کردن" حریف است که دائم از قطع وابستگی سخن می‌راند. خوب است این نقل قول را سوسالرفرمیست‌هایی که با حکومت همصدائی می‌کنند چند بار بخوانند تا بفهمند وقتی از ضرورت افزایش تولید صحبت می‌کنند، در واقع از تداوم و تزیاید وابستگی دفاع می‌کنند!

سخن را کوتاه کنیم. بنی صدر در گزارش خود بعضی خطوط و رنگ‌نگینی، بحران، از هم‌پاشیدگی، پهریشانی و نابسامانی وضع اقتصادی را ترسیم می‌کند، اما چنان که رسم او سبب همفکران و حکومتگران نظیر اوست نمی‌داند. زیرا این طبقه‌ای است که جازه نمی‌دهد تا بداند که ریشه بحران در کجاست. اقتصاد و اجتماع ایران دچار بحران ناشی از نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی است و این رژیم تاکنون نتوانسته در جهت تخفیف آن قدمی بردارد و اگر هم بتواند به کمک امپریالیست‌ها یا یرنیروها برای مشکلات ناشی از بحران چاره‌ای موقتی پیدا کند، فقط درمان واقعی را به تاخیر می‌اندازد. کلید حل بحران در دست توده‌های زحمتکش به رهبری طبقه کارگران ایران است. این پیام تاریخ است!

### انقلاب کوبا... بقیه از صفحه ۱۳

کوبا نیشکر بود و دولت محبور بود سایر محصولات مردم را از آمریکا بخرد بعد از انقلاب تولیدات مورد نیاز مردم طبق یک برنامه اصولی کشت گردید اما این امر بدست توده‌های دهقان و بدنیال یک اصلاحات ارضی واقعی صورت گرفت و از آنجا که دهقانان شمره کارکوش خود را موثر در رفاه اقتصادی خویش میدانند با جان و دل به کشت می‌پردازند. حتی زمانی که دارو دسته با تیستا و عوام مل سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ نیروهای مسلح خود را بر ضد دولت انقلابی در کوه‌های "اسکا مبرای" سازمان دادند از آنجا که حکومت انقلابی مدافع منافع زحمتکشان بود مزدوران ضد خلق بدست دهقانان منطقه سرکوب شدند

### تختی پهلوان مردم بود بقیه از صفحه ۱۲

نیمه‌های دیماه بود که تختی ربه شده شد... و در هفدهم دی‌ماه رژیم خبر دروغیت خود کشتی تختی را جار کشید. مردم به کوچه‌ها و خیابان‌ها ریختند. مادران چادرها را بر سر کشیدند و در کوچه‌ها شتاب گرفتند. بچه‌ها در محله‌ها می‌دویدند و خبر را باز می‌گفتند. سیم‌های تلفن از نام تختی پر شد: "تختی را کشتند". تختی را کشتند!

در مراسم تشییع جنازه تختی مردم چون سیل به حرکت درآمدند. دانشگاه پرچمدار میتینگ تشییع بود و گروه جزئی در پیوند مبارزان دانشگاه بخش سترگ این جنبش خود-جوش و کوبنده و با اینهمه زودگذر را هدایت می‌کرد. تابوت تختی بر امواج پسر تلاطم دست‌ها و شانه‌های مردم پیش می‌رفت. مردم بویژه انبوه‌پدران و مادران سالخورده می‌گریستند - جوانان مشت‌تکان می‌دادند از پرتاب

### ضد انقلاب کیست و... بقیه از صفحه ۲

خورده خلق هستند، پرچمدار مبارزات انقلابی خلق جازد، شمار تسلیح سرکوبگران خلق را داد، و تمام اقدامات ضد خلقی و سرکوب‌گرانه به ضد انقلاب حاکم بلکه به ارواح و اشباح خبیثه و عناصر مشکوک نامرئی درون حاکمیت نسبت داد و بر مبارزات برحق کارگران و دهقانان، دانشجویان و معلمین و محصلین و همه زحمتکشان مهر ضد انقلاب زد؟ البته هیچ انتظار

و در واقع دهقانان مسلح منطقه آنان را بنا بود کردند دولت مرکزی تهدید امپریالیسم آمریکا نسبت به دولت انقلابی کوبا و عکس العمل انقلابی کوبا در قبال آن بیانگر این حقیقت است که یک دولت انقلابی نه تنها از تسلیح مردم هر اسی ندارد بلکه خود پیشگام مسلح کردن توده‌هاست دولت کوبا هم اکنون در برابر تهدید امپریالیسم آمریکا اعلام کرده است که هر کوبا شی در سراسر کشور می‌توانند به یک قبضه تفنگ خودکار یک عدد نارنجک مجهز شود.

یک دولت انقلابی چنین است نه دولتی که از همان آغاز قیام توده‌ها را به تحویل اسلحه و امیداردوگا م‌بگام سیاست خلع سلاح توده‌ها را پیش می‌برد. همچنین حمله به خلیج خوک‌ها از جانب آمریکا در سال ۱۹۶۰ نیز از جانب توده‌های مسلح سرکوب شد چرا که توده‌ها مدافع انقلاب بودند.

گل، هوا تکه تکه سرخ بود و زمین توفنده شعارها پایتخت خفقان و کشتار را می‌لرزاند: "تختی شهید گشته، تا مرگ قاتلینش نهضت ادامه دارد." و دیدیم نهضت چگونه در اسطوره رستاخیز سیاه‌کل غلغله خون است آتش شد و از مسلسل فدائی و مجاهد شعله کشید و با پشتوانه‌ای چنین خونین، در قیام مسلحانه توده‌ها پایادگان‌ها را فروریخت.

اکنون یگذاژ کشتارگران تازه نفس! با خون رزمندگان خضیاب ببینند، یگذاژ زیر پرچم آزادیخواهی دروغین به کشتار خلق‌های رزمنده میهن فرمان دهند! خلق‌های رزمنده‌ای که از خون شهیدانی چون روزبه‌ها، رضوی‌ها، خانعلی‌ها، تختی‌ها، احمدزاده‌ها و جزئی‌ها، حنیف‌نژادها و رضائی‌ها، دانشیان‌ها و کلسرخ‌ها و سرانجام جنبشی چنین توفانی و قیام مسلحانه‌ای چنین پر دستاورد آفرینند با پشتوانه دم-افزون خون توماچ‌ها و نریمی‌ها و میرشکاری‌ها و... و حمام خون قتل عام‌های قارنا و قهلاتان و ایندرفاش... چه‌ها که نخواهد آفرید.

دیگری جز این هم نمیتوان از آنها داشت زیرا که بخوبی آگاهند، روزی که طبقه کارگران ایران در پیشاپیش توده‌های زحمتکش پرچم سرخ پیروزی را بر ویرانه‌های نظام کهن به اهتزاز درمی‌آورند و با فریادهای مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر سرمایه‌داران، ضد انقلاب را در زیرگامهای وزین و محکم خود له می‌کنند و به گورستان تاریخی می‌سپارد، به چهره تمام نابکاران و خیانت‌پیشگان به طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش تف خواهد انداخت و آنها را در کنار آریا با نشان به گور خواهد سپرد.

## روز باده مبارزات ضد امپریالیستی - همکراتیک خلق‌های ایران



# تظاهرات باشکوه ۲۰ دیماه ۱۳۳۸

برگی درخشان در تاریخ جنبش دانش آموزی

## جنبش مقاومت خلق کرد

اعلامیه هواداران  
در اشنویه

یورش وحشیانه فانتوم ها و ملیکوپترها  
ی رژیم جمهوری اسلامی بدهات اشنویه  
بگذار حمله فانتومها رهلی کوپتر  
های جمهوری اسلامی بروی مردم زحمتکش  
و ستمدیده خلق کرد تکرار شود. بگذار  
"خوشکه حلیم ها" و "سیدزلیخا ها" در خون  
خود غلظند و "خوشکه مریم" ها مورد تجاوز  
وحشیانه قرار گیرند!

بگذار ای پورتونیست های اکثریت و  
حزب خائن توده چهره شوم جمهوری اسلامی  
را خلقی و خدا مهربال نیست نشان دهند.  
اما خلق بیباخاسته کرد در برابر یورش  
سرکوبگران خلق آرام نخواهند نشست  
ساعت هشت و چهل و پنج دیروز در فواید  
فانتوم منطقه اشنویه را بمباران کردند  
در این حملات ددمنشان:

۱- روستای ششگان یک نفر زخمی شد  
و چند خانه مسکونی آسیب دیده است.  
۲- روستای خورش با وجود حملات  
وحشیانه، خوشبختانه آسیبی ندید.

۳- در روستای میراوه دو نفر زخمی  
شدند و شیشه خانه ها شکست.

۴- روستای هی هفت نفر زخمی شدند  
که حال دونفرشان خوب نیست.

۵- روستای بس گدله در این روستا  
دو نفر با ساسی حاجی محمود پیا بولی و  
"خوشکه مریم" شهید شدند و یک نفر زخمی  
شد و بیش از ۲۰ اسلحه و گوسفند تلف شده  
است.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای  
ایران هستند

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
اشنویه - ۵۹/۸/۲۷

متوسطه قرار گرفت و بصورت اعتراضات  
صنغی کلیه دانش آموزان در آمدند.  
دانشجویان مبارز دانشگاه بمنظور ارتقا  
مبارزات دانش آموزان اعلام همبستگی  
کردند. از جمله رفقای که در سا زماندهی  
و تعمیق اعتراضات دانش آموزان نقش  
برجسته ای ایفا نمودند رفیق بیژن جزینی  
صفائی فراها نی و رفیق سعید کلانتری  
و عزیز سرمدی بودند. اگر چه بهانه اولیه  
برای بسیج دانش آموزان مساله افزایش  
حدنصاب قبولی بود اما از همان ساعات  
اولیه شعارها جنبه سیاسی و ضد رژیم  
شاه بخود گرفت و بخشی توده های  
زحمتکش نیز در آن شرکت جستند.  
درگیریهای بین پلیس و ساواک از  
یکسو و تظاهرات کنندگان از سوی دیگر  
صورت گرفت و ماشین های متعلق به  
ساواک و پلیس به آتش کشیده شدند و  
همچنین به اداره فرهنگ نیز حمله  
شد. در این روز روزهایی بعدی قریب  
۷۰۰ نفر توسط مزدوران رژیم دستگیر  
شدند که به مراکز ساواک منتقل می شوند  
و توسط ما موران تیمور بختیار مورد  
ضرب و شتم قرار می گرفتند.

تمامی سلولها و بندهای زندان  
قزل قلعه و حتی بهداری و حمام آن مملو  
از دستگیرشدگان بود. انعکاس گسترده  
تظاهرات دانش آموزان در سطح جامعه  
رژیم را واداشت که به عوام فریبی  
متوسل شده و توطئه و خرابکاری عده ای  
پرتقال فروش قلمداد کنند تا بخیال خود  
از تظاهرات درختان آن برجواختناق  
حاکم بکاهد.

دستگیرشدگان تظاهرات ۲۰ دی بعد  
از مدتی آزاد شدند و چهارتن از آنان  
شش تا سیزده ماه بدون محاکمه در  
زندان باقی ماندند.

جنبش دانش آموزی ۲۰ دیماه گرچه  
در آن مقطع با سرکوب وحشیانه رژیم  
مواجه شد اما این جنبش خود سر آغاز  
اعتراضات و تظاهرات باشکوه  
دانشجویی در ماههای ۲۲ - ۲۹ بود.

از آنروز تا کنون جنبش دانش  
آموزی و دانشجویی هر چند با افت و  
خیزهایی هرگز خاموش نشد و دانش  
آموزان و دانشجویان در سنگرمبارزه  
خدا مهربالیستی - دمکراتیک خلق،  
استوار ایستادند و امروز رژیم  
جمهوری اسلامی بیهوده می کوشد تا  
آزموده ها را دوباره بیا زماید. بستن  
دانشگاهها و اعمال فشار و اختناق و  
سرکوب در مدارس، هرگز نمی توانند  
فرا دحق طلبانه دانش آموزان و  
دانشجویان را در دفاع از منافع  
زحمتکشان و کسب حقوق و آزادیهای  
دمکراتیک، خاموش سازد.

اکنون که مبارزات دانش آموزان  
تهران میهنمان در پیوند با سایر اقشار  
خلق برای کسب آزادیهای سیاسی و  
پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی و تازه ای  
میگیرد، بکارگیری تجارب گذشته جنبش  
و درس آموزی از آن میتواند گامی در جهت  
تعمیق و اعتلای مبارزات درخشان  
دانش آموزان باشد. دانش آموزان انقلابی  
همواره بمثابه بخشی از نیروهای آگاه  
جامعه دوش بدوش دانشجویان مبارز  
دانشگاهها در سخت ترین شرایط اختناق  
و دیکتاتوری به مبارزه در جهت دفاع از  
منافع کارگران و زحمتکشان پرداخته  
و سهم مهمی در پیشبرد مبارزات ضد  
امپریالیستی - دمکراتیک خلقمان  
داشته اند. روزهای پرشکوه و حماسه  
آخرین ۱۶ آذر ۲۲ - ۲۰ دی ۲۸ - ۱۳ آبان ۱۳۵۲،  
و اول اردیبهشت ۵۹ برگهای درخشانی  
از تاریخ جنبش دانش آموزی - دانشجویی  
ایران است.

در تاریخ مبارزات میهنمان کمتر  
حرکات توده ای را میتوان نام برد که  
دانشجویان و دانش آموزان سهمی در آن  
نداشته باشند و یاد در شکل گیری و  
تعمیق آن نکوشیده باشند حتی مبارزات  
صنغی دانش آموزان و دانشجویان  
غالباً بهانه ای برای طرح خواستهای  
سیاسی بوده است.

پس از کودتای امپریالیستی ۲۸  
مرداد ۳۲ و خیانت رهبران حزب توده و  
دستگیری ها، شکنجه ها و اعدامهای  
پیاپی مبارزان و پس از هجوم مزدوران  
پس از هجوم مزدوران رژیم شاه به  
دانشگاه و شهادت سه تن از دانشجویان  
مبارز، رژیم دیکتاتوری شاه فضای  
رعب و وحشتی را تدارک میدید و هرگونه  
اعتراضی را با سرکوب وحشیانه مزدورانش  
پاسخ میگفت از جمله اعتراضات کسه  
علیرغم فضای خفقان موجود تحقق یافت  
اعتصاب چهل هزار نفر کارگران کوره پز  
خانه های تهران در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸ بود.  
رژیم مزدور شاه با خشونت هر چه تمامتر  
اعتصاب بحق کارگران را بخون کشید و  
در جریان این سرکوب پنجاه نفر مبارز  
کارگران قهرمان شهید شدند و تعداد  
زیادی مجروح یا دستگیر شدند.

رژیم تصور میکرد که پس از این کشتار  
با هیچگونه اعتراضی مواجه نخواهد شد  
اما چند ماه بعد یعنی در ۲۰ دیماه ۳۸ -  
تظاهرات سراسری دانش آموزان، این  
رویای شاه را به کابوس بدل کرد.  
در دیماه ۳۸ دکتر مهران وزیر فرهنگ  
وقت تصمیم گرفت که نمره قبولی امتحانات  
نهایی در سال ششم متوسطه را از ده به  
دوازده تغییر دهد. این تصمیم بلافاصله  
موردا اعتراض دانش آموزان سال ششم

## نبرد خلق منتشر شد



# انقلاب کوبا و دستاوردهای آن

بمناسبت اول ژانویه ۱۹۵۹ میلادی - ده سالگرد انقلاب کوبا



## تختی

### پهلوان مردم بود

خبر در همه جا پیچید. خبری که همه جا رفت. خبر خیابانها را در نور - دید و از کوچه پس کوچه ها گذشت. خبر ازین بست ها با لارفت و در خانه ها و لوله ها فکند، خبر در خانن آبا دها - حلی آبا دها و یا خچی آبا دها، در کودها و قمیرها زا غه نشینا نرا از جا کند. خبر در محله های فقیرنشین چرخید و پیش رفت. خبر در مدرسه ها و دانشگاه ها - آژیر خطر کشید. خبر مثل باد، مثل گرد - باد، مثل توفان در جاده های میهن شتاب گرفت و از دورترین شهرک ها بقیه در صفحه ۱۲

## بدستور بنی صدر

میلینوهار یال بابت حقوق و مزایای عمال رژیم شاه در اختیار استناداری کیلان قرار گرفت

روزنامه اطلاعات  
شماره: ۱۲۱۵۴  
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۸  
روزنامه اطلاعات، تهران  
موضوع: استناداری کیلان در اختیار رژیم شاه قرار گرفت  
میلینوهار یال بابت حقوق و مزایای عمال رژیم شاه در اختیار استناداری کیلان قرار گرفت  
روزنامه اطلاعات، تهران  
شماره: ۱۲۱۵۴  
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۸  
روزنامه اطلاعات، تهران

پردا ختندا ما کا رگرا نوز حمتکشان کوبا که کمرشان در زیر بارستم و استثم کار امپریالیسم امریکا و پایگاه دا خلیش، سرمایه داران وابسته، خم شده بود به انقلابیون پیوستند و مبارزات درخشان توده ها به رهبری رفیق فیدل کاسترو و چه گوارا در اول ژانویه ۱۹۵۹ به پیروزی انقلاب کوبا انجامید.  
خدمتگزاران بورژوازی همچون اسکالانتی که سالها مبارزات توده ها را به انحراف کشیده بودند تبلیغات وسیعی را بر علیه انقلابیون انجام می دادند پس از پیروزی انقلاب از کوبا تبعید شدند. با آغاز انقلاب کوبا دیگر گونیهای بنیادی در کلیه شئون اقتصادی اجتماعی - سیاسی و فرهنگی صورت گرفت. حاکمیتی که پس از سرنگونی با تیستا بر سر کار آمد اگر چه برخی نمایندگان بورژوازی لیبرال را به خدمت گرفت اما از آنجا که قدرت واقعی در دست نمایندگان واقعی خلق بود اقدامات اساسی به نفع توده ها صورت گرفت در سال ۱۹۶۱ نمایندگان بورژوازی لیبرال که اساسا دشمن انقلاب و توده ها بودند از قدرت سیاسی کنار گذاشته شدند و برهبری حزب واقعی طبقه کارگر که پس از سرنگونی رژیم با تیستا بنیان نهاده شده بود صادق ترین انقلابیون کمونیست را در خود جای داده بود پیروزی بقیه در صفحه ۱۳

هنگامیکه احزاب رفرمیست کوبا بدنبال اشکال صرفاً "مسالمت آمیز" مبارزه بودند و با لایحه "اسکالانتی" رهبر حزب سوسیالیست خلق کوبا ("با صلاح حزب کمونیست کوبا) با رژیم با تیستا گاه همکاری و گاه جنگ زرگری می نمود، انقلابیون کوبا با تحلیل از شرایط انقلابی موجود مبارزه مسلحانه را از کوههای سیراما سترا و با حمله به مونکا داه در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ بر علیه رژیم با تیستا آغاز کردند.  
رژیم سرسپرده با تیستا پایگاه امپریالیسم امریکا در کوبا بود و در خدمت انحصارات امپریالیستی قرار داشت. سرمایه داران امریکائی زمینهای وسیعی را در کوبا به کشت نیشکر اختصاص داده بودند و با مشارکت سرمایه داران وابسته دا خلی به استثمار خلق کوبا میپرداختند. اقتصاد تنگ محصولی کوبا به تولید نیشکر متکی بود و امریکا با قیمت ارزان نیشکر را می خرید و شکر مورد احتیاج مردم را به قیمتی چندبرابر به آنها می فروخت. گسترش کشت مکنیزه، دهقانان فقیر و زحمتکش را که مورد استثمار و استثمار زمینداران بزرگ قرار داشتند و ادار ساخت تا به شهرها روی بیا و رندوبه خیل بیکاران بیبوندند.  
با آغاز مبارزه مسلحانه احزاب رفرمیست به انتقاد از پارتیزانها

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر